

بیل کلینتون:

# امریکا راهای تشدید فشار بر رژیم ایران را بررسی می کند

- کلینتون: رژیم جمهوری اسلامی عامل اصلی تشنج در منطقه است
- تلاش آمریکا برای جلب متحدان اروپائی علیه رژیم ایران ادامه دارد
- رفسنجانی: این تحریرات غیر قانونی و غیر منطقی به بی ثباتی در منطقه منجر خواهد شد

لحن سخنان مقامات برجسته آمریکان نسبت به جمهوری اسلامی در هفته گذشته شدت بی سابقه ای یافت و بحران روابط ایران و آمریکا و به دیگر سخن روابط ایران با غرب فراز تازه ای گرفت. بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا روز ۲۴ فروردین همزمان با سالگرد قطع روابط آمریکا با ایران در سال ۵۹، از طریق تلویزیون سراسری آمریکا جمهوری اسلامی را به اعمال فشارهای تازه و تحریم اقتصادی تهدید کرد. در همان روز در فاصله ای کمتر از ۲۴ ساعت رهبران جمهوری اسلامی در قبال سخنان بیل کلینتون واکنش نشان دادند و از سوی هاشمی رفسنجانی بیانیه رسمی صادر شد.

روز بعد اعضای شورای امنیت ملی جمهوری اسلامی به ریاست رفسنجانی گرد هم آمدند تا شرایط تازه در روابط آمریکا با رژیم را بررسی کنند. از واکنش سریع جمهوری اسلامی پیداست رهبران رژیم منتظر تهدید آمریکا بودند و این بار در ارزیابی از سخنان بیل کلینتون به این نتیجه رسیده اند که تهدید واشنگتن جدی است و تحقق عملی آن بر حیات آتی رژیم بی تاثیر نخواهد بود.

گفتگوی تلویزیونی بیل کلینتون که به مناسبت پانزدهمین سالگرد قطع روابط دو کشور انجام شد، از کانال تلویزیونی سی. ان. ان پخش گردید. در این گفتگو کلینتون جمهوری اسلامی را عامل اصلی

کشوری که مذاکره می کنیم و هر رهبر منطقه و خارج از منطقه که من با او گفتگو داشته ام، همه از جمهوری اسلامی شاکی اند و معتقدند جمهوری اسلامی بزرگترین عامل بی ثباتی در منطقه و بزرگترین خطر برای آینده است. بیل کلینتون در این گفتگو به نوع و ابعاد اقداماتی که آمریکا قرار است علیه رژیم اسلامی دست بزند اشاره ای نکرد اما به تاکید گفت: جمهوری اسلامی حاضر به تغییر رفتار خود نشده است و ما ناچاریم همه راههای اعمال فشار را بررسی کنیم.

### تلاش برای جلب متحدان

در فاصله یک ماه گذشته با دخالت مستقیم آمریکا قرارداد یک میلیارد دلاری جمهوری اسلامی با کمپانی نفتی کونو کولوغوشد. لغو این قرارداد برای جمهوری اسلامی غیر منتظره بود. آنان در تهران گمان میکردند که واشنگتن از روند عقد قرارداد مطلع است و آگاهانه سکوت کرده است. این قرارداد صرف نظر از اهمیت سیاسی آن، نقش تعیین کننده ای در افزایش ادامه در صفحه ۳



## اول ماه مه روز جهانی کارگر گرامی یاد

- پیام شورای مرکزی سازمان به مناسبت اول ماه مه
  - زندگی کارگران زیر فشار فقر
  - جنبش سندیکائی در دوران تحولات اجتماعی
- در صفحات ۷ و ۸

## دستگیر شدگان تظاهرات اسلام شهر تحت فشار و شکنجه قرار دارند

- هشدار گسترده نسبت به خطر اعدام بازداشت شدگان
  - کیهان هوایی: ۸ نفر در جریان تظاهرات کشته شدند
- رژیم با ساد کردن راه مردم که هر لحظه بر تعداد آنها افزوده می شود، کوشیدند راه معترضین را به سوی مناطق اصلی تهران سد کنند و به این منظور بدون هیچ ملاحظه ای به روی آنها آتش گشودند. در برخی خبرها ادامه در صفحه ۳

## تقدیم بالا ترین درجه ی نظامی به یک غیر نظامی

اعطای درجه ی سر لشکری با ۹ سال ارشدیت به دکتر سید حسن فیروز آبادی دامپزشک بسیجی از سوی خامنه یی در آستانه ی روز ارتش و پس از گذشت دو هفته از بروز حوادث اکبر آباد در مراسمی با حضور کلیه ی فرماندهان عالی رتبه ی نیروهای مسلح اعم از ارتش و سپاه رویداد بسیار پر اهمیت هفته ی گذشته بود. به این ترتیب یک غیر نظامی بسیجی به ناکهان بدون طی مراحل متداول، بالاترین مقام نظامی کشور را احراز کرد و بر بالاترین مقامات در ارتش و سپاه یعنی علی شهبازی رئیس ستاد ارتش و محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران ارشدیت یافت. خامنه یی در مراسم یاد شده با اظهار اینکه در کشوری که مردم آن به شکل بسیجی در نیروهای مسلح عضو نباشند در مواقع حساس دچار مشکل خواهد شد، اعطای چنین درجه ی بالا بی را به یک فرد بسیجی، قدر دانی و احترام به تشکیلات بسیج و حفظ وحدت با صحیح نیروهای مسلح دانست.

فیروز آبادی هم در مقابل با نوشتن نامه یی چا کرانه به خامنه یی و پسر محمد و فرزند علی و نایب مهدی و حسین زمان توصیف کردن وی اعلام کرد که نیروهای بسیجی قاطعانه با تهدیدهای شیطانی و دشمنان و بدخواهان به مقابله بر خواهد خاست و فرماندهان نیروهای مسلح بویژه سپاه که به تعبیر او میوه ی دل بسیج هستند خواهند کوشید که تدابیر خامنه یی در برابر ادامه در صفحه ۲

## بیانیه سازمان عفوین الملل درباره حوادث اسلام شهر

شهرک نزدیک به نام اکبر آباد، به سمت اسلام شهر راه پیمایی کردند تا تهران انتشار داد. در این بیانیه آمده است: به دنبال تظاهرات ۴ آوریل در اسلام شهر واقع در حومه تهران، که در جریان آن تعدادی که شمار آنها تا ۱۰ نفر گزارش شده، به ضرب گلوله پاسداران انقلاب کشته شدند، صدها نفر دستگیر شده اند. گزارش می شود که به بستگان زندانیان، اجازه ملاقات نداده اند و گفته اند دستگیر شدگان، به زندان نامعلومی انتقال یافته اند. عفوین الملل، بیم آن دارد که در این زندان، دستگیر شدگان مورد شکنجه و بد رفتاری قرار گیرند. عفوین الملل همچنین نگران است که این زندانیان، از محاکمه عادلانه مطابق با استانداردهای بین المللی حقوق بشر برخوردار نشوند و بر خیز آنها به اعدام محکوم گردند. تظاهرات ۴ آوریل هنگامی آغاز شد که ۲۰۰ نفر از جوانان، از یک

شهرک نزدیک به نام اکبر آباد، به سمت اسلام شهر راه پیمایی کردند تا تهران انتشار داد. در این بیانیه آمده است: به دنبال تظاهرات ۴ آوریل در اسلام شهر واقع در حومه تهران، که در جریان آن تعدادی که شمار آنها تا ۱۰ نفر گزارش شده، به ضرب گلوله پاسداران انقلاب کشته شدند، صدها نفر دستگیر شده اند. گزارش می شود که به بستگان زندانیان، اجازه ملاقات نداده اند و گفته اند دستگیر شدگان، به زندان نامعلومی انتقال یافته اند. عفوین الملل، بیم آن دارد که در این زندان، دستگیر شدگان مورد شکنجه و بد رفتاری قرار گیرند. عفوین الملل همچنین نگران است که این زندانیان، از محاکمه عادلانه مطابق با استانداردهای بین المللی حقوق بشر برخوردار نشوند و بر خیز آنها به اعدام محکوم گردند. تظاهرات ۴ آوریل هنگامی آغاز شد که ۲۰۰ نفر از جوانان، از یک

### اطلاعات درباره زمینه ها

در اکتبر ۱۹۹۴، رادیو ایران گزارش داد مجلس (پارلمان) قانونی تصویب کرده است که به موجب آن، استفاده از سلاح گرم برای کنترل تظاهرات غیر قانونی و سرکوب شورش ها و نا آرامی های که بدون استفاده از سلاح گرم، قابل

### ماهواره های ایرانی

گردش در آمده اند. مطبوعات معتبر فضایی می نویسند این برای اولین بار است که ماهواره هایی در ارتفاع ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلومتری قرار می گیرند. ارتفاع قمرهای مصنوعی معمولی مخابراتی حدود ۳۶۰۰ کیلومتر است. تا سال ۲۰۰۰ قرار است ۲۶ ماهواره از این نوع به فضا فرستاده شود و تمام مدار زمین زیر پوشش آن قرار گیرد. از آنجا که مدار این ماهواره ها پایین است حتی با ترنمینال های کوچک دست، که با

دکتر نادر مدانلو و حسن آهی اولین ایرانیانی هستند که در موسسه ای متعلق به خود که در آمریکا تاسیس کرده اند موفق شده اند دو ماهواره بسازند و آن را به فضای کیهان پرتاب کنند. این ماهواره ها به روسیه فرستاده شد و توسط موشک کاسموس، به سفارش شرکت FAI که متعلق به آقایان آهی و مدانلو است به فضا پرتاب گردید. این دو ماهواره در مداری که فاصله آن با زمین بسیار کم است به

## "تحریم رژیم اسلامی و موضع ما"

دولت کلینتون در صدد تحریم خرید نفت ایران توسط شرکت های آمریکایی است. دولت آمریکا در ماه گذشته نیز قرارداد یک میلیارد دلاری نفتی معتقد به بین شرکت کونو کور رژیم اسلامی را لغو کرد. دولت آذربایجان را مجبور نمود که قرارداد نفتی بین ایران و آذربایجان را لغو نماید.

اقدامات هفته های اخیر نشان میدهد که فشار آمریکا بر رژیم اسلامی وارد مرحله جدی تری شده است. سران حکومت اسلامی نیز این مسئله را فهمیده اند. بیانیه رفسنجانی حاکی از این امر است. تداوم اقدامات آمریکا، پیامدهای قابل توجهی خواهد داشت.

قصد دولت کلینتون از این اقدامات چیست؟ مقامات آمریکایی می گویند با این فشارها می خواهند، اقتصاد رژیم ایران تضعیف شود تا سران رژیم کمتر سلاح بخرند، دست از حمایت از تروریسم بردارند و در صلح خاور میانه کارشکنی نکنند.

گردانندگان حکومت بخش قابل توجهی از بودجه کشور را برای تسلیحات و دستیابی به سلاح های مدرن اختصاص میدهند. رژیم با تجهیز به این سلاح ها، از یک سو قدرت سرکوب خود را در داخل کشور بالا می برد و از سوی دیگر دنبال جاه طلبی ها و اسلام گسری است. در کشوری که منابع عظیم انرژی وجود دارد، رژیم با وجود بحران عمیق اقتصادی، قرارداد های کلان با روسیه و چین برای خرید انرژی اتمی می بندد و با نتیجه نگرانی های در بین کشورهای منطقه بوجود می آورد.

تحریم تسلیحاتی رژیم اسلامی و تحریم صدور تکنولوژی که در تولید سلاح های مدرن مورد استفاده قرار می گیرد، امری موجه و قابل پذیرش، و اگر پیگیرانه تداوم یابد و کشورهای غربی مخفیانه سلاح های مدرن خود را را برای ایران نکنند، میتواند اخلال جدی در برنامه های تسلیحاتی رژیم اسلامی بوجود آورد.

اما تحریم گسترده نفتی و در تداوم آن "تحریم همه جانبه اقتصادی" متفاوت از تحریم تسلیحاتی است. این امر با زندگی مردم ما و منافع ملی و آینده کشور ارتباط می یابد. تحریم تسلیحاتی توان رژیم را در تحقق جاه طلبی هایش و در سرکوب مردم تضعیف کرده و کاهش هزینه تسلیحاتی را بر رژیم تحمیل می کند که به سود مردم و اقتصاد کشور است. در حالیکه تحریم اقتصادی، اقتصاد کشور را آسیب پذیر و ناتوان ترمی سازد. رژیم اسلامی تا کنون نشان داده است که در چنین مواقع از هزینه های تسلیحاتی نمی کاهد، بلکه بحران را مستقیماً به دوش مردم منتقل می سازد. رژیم با افزایش قیمت خدمات و کالا های دولتی، کاهش بودجه عمرانی کشور و چاپ اسکناس، هزینه های خود را تأمین می کند. اما آنچه سهم مردم ما می شود، فقر بیشتر، افزایش بیکاری، کاهش سطح زندگی مردم، تشدید کمبود کالاها و افزایش قیمت هاست.

تحریم اقتصادی آمریکا تا کنون علیه برخی از کشورها منجر به ادامه در صفحه ۲

### روز معلم گرامی باد

سال ۱۳۴۰ هنگامی که حکومت شاه یکی از بحران های شدید پس از کودتای ۲۸ مرداد را از سر می گذراند، طرح خواست ها و مطالبات دموکراتیک از سوی اقشار مختلف نیز شدت بیشتری یافت. در روز ۱۲ اردیبهشت این سال معلمان تهران در اعتراض به سطح نازل حقوق خویش و برای برخی خواست های دیگر خود، در برابر مجلس دست به تظاهرات زدند. پلیس به روی تظاهر کنندگان آتش گشود و یکی از معلمان تهران به نام محمد خلعانی را ز پای در آورد. بعدتر فرهنگیان ایران این روز را به عنوان روز معلم نام گذاری کردند.

گرامی داشت این روز که یاد آور برگی از تاریخ و تلاش های فرهنگیان و نمادی از همبستگی آن ها به شمار می رود، هم چون همه روزهای دیگری که یاد آور الهام بخش مبارزه و همبستگی طبقات، قشر ها و گروه های مختلف جامعه اند، چه در دوران رژیم شاه و چه در حکومت اسلامی ممنوع بوده و هست. جمهوری اسلامی ترور آیت الله مطهری را که مقارن با روز معلم است، به انگیزه بزرگداشت این روز بدل کرده و سعی در بایگانی کردن سابقه تلاش ها و مبارزات فرهنگیان و پیشینه روز معلم، دارد.

در ظرف ۲۴ سالگی که از تظاهرات اعتراضی معلمان به خاطر دست یابی به حقوق خود می گذرد، حقوق صنفی و دموکراتیک فرهنگیان ایران نه تنها بیشتر نشده است، بلکه پایه های عمر بیشتر جمهوری اسلامی، وضعیت مادی و حرفه ای و استقلال آن ها پیش از پیش وخیم شده است. آن چه را که رژیم با اتکاء به ایدئولوژی و دیدگاه های واپس گرای خود به عنوان مواد درسی ارایه می کند، و تلاشی که برای وادار کردن معلمان به آموزش این مطالب خرافه به خرج می دهد، به علاوه محیط بسته و اختناق آمیزی که در مدارس ایجاد کرده است، به نقض استقلال معلمان و محدودیت روابط سالم و مبتنی بر تفاهم آموزگار و شاگرد انجامیده است. سیاست آموزشی جمهوری اسلامی معلمان را می طلبد که فکر و تجربه علمی و آموزشی و اجتماعی را به کناری بگذارند و به بازگو کننده بی چون و چرای آموزه های خرافاتی و قرون وسطایی رژیم بدل شوند.

گرچه وزارت آموزش و پرورش بزرگترین دستگاه اداری دولت است و به دلیل وظیفه ای که برای آموزش ۲۸ میلیون دانش آموز عهده دارد شمار کثیری کادر آموزشی و اداری را به خدمت گرفته است، لیکن توده عظیم معلمان و فرهنگیان کشور از داشتن کانون صنفی مستقلی که حامی و نماینده واقعی آنان باشد، محرومند. نهاد های رژیم ساخته که ظاهرا مسئولیت دفاع از حقوق جامعه زحمتکش فرهنگیان کشور را بر دوش می کشند، تنها مدافع مصالح و منافع حکومت و مبلغ ایدئولوژی و فکراتجاری آن هستند.

گرائی کم روشکن و تنزل سطح زندگی اقشار مختلف مردم، تاثیر مخرب بر کار و رسالت معلمان بر جای گذاشته است. معلمان خود نیز از سطح نازل زندگی و دشواری های تامین معاش رنج می برند و کمتر معلمی است که تنها با حقوق معلمی قادر به تامین زندگی خود و خانواده خود باشد. پرداختن به شغل های دوم و سوم دیگر توان، رمق و زمان فراغتی برای معلمان باقی نمی گذارد تا به وظیفه خطیر خود بیایند و نیاز های آموزشی و پرورشی دانش آموزان را بر آورده سازند. آن ها با جسمی خسته، روانی دردم و اعصابی آشفته از فشار های اقتصادی و اجتماعی، در کلاس های درس حاضر می شوند و نمی توانند آموزگار و راهنمای مناسبی برای شاگردان خویش باشند.

۱۶ سال پس از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، معلمان ایران نه تنها به حقوق بیشتری دست نیافته اند، بلکه بخشی از آن چه را که با مبارزه خود به دست آورده بودند، نیز از دست داده اند. تلاش جامعه ۸۰۰ هزار نفری فرهنگیان ایران برای دفاع از حقوق صنفی و دموکراتیک خود و دست یابی به خواسته های شان، بخشی از مبارزه عمومی برای واپس نشاندن جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای دموکراتیک و مبتنی بر عدالت است. روز معلم، فرصتی است برای تاکید بر همبستگی معلمان ایران و اعتراض به همه مناسبات و موانعی که یک زندگی سالم و آبرودار را از این قشر ارز شمند سلب نموده است.

### روز جهانی آزادی مطبوعات

از ملزومات تداوم بخشیدن به استبداد و نقض حقوق مردم، بستن دهان مطبوعات و دیگر رسانه های جمعی است. هم از اینروست که در رژیم های ضد دموکراتیک مطبوعات به جای انجام رسالت خویش اجبارا به تکرار خبر ها و مطالب قدرت پسند مشغولند و ندادید گاه های مردم در آنها بازتاب چندانی نمی یابد. روی دیگر حساسیت نسبت به مطبوعات در این گونه رژیم ها، سانسور و خصوصیت با روزنامه نگاران و خبرنگاران آزاده است. چه نقض آزادی مطبوعات و چه ستمی که بردست اندر کاران آزاده جرایم در کشورهای استبدادی می رود، نیاز حمایت از آزادی مطبوعات و روزنامه نگاران را به امری فراتر از مرزهای ملی بدل کرده است. از همین روست که روز سال پیش روز سوم ماه مه روز جهانی مطبوعات نام گرفته و تلاشها در راستای حمایت از آزادی مطبوعات و امنیت جانی و حرفه ای خبرنگاران و روزنامه نگاران در کشورهای مختلف ابعاد گسترده تری یافته است.

به گزارش گروه خبرنگاران بیرون مرز در سال ۱۹۹۴ در جهان ۱۳۵ خبرنگار جان خود را قربانی آگاه کرده مردم از آنچه که در دنیا می گذرد کرده اند. تنها در جریان خبردهی از جنگ داخلی رواندا ۴۹ خبرنگار جان خود را از دست داده اند. شمار روزنامه نگاران الجزایری که عمدتا بخاطر مخالفت با قهر خشونت توسط بنیاد گریبان اسلامی از پا در آمده اند، یک به ۲۳ نفر می رسد. در ترکیه دفتر روزنامه های مخالف با سرکوب خلق کرد پیوسته آماج بمب گذاریها و حملات گروه های فاشیست و پان ترکیست و ایست به محافل قدرت است. این پدیده در آمریکای لاتین نیز امروزه امری عادی در حیات مطبوعات بدل شده است. در جمهوری های شوروی سابق و ویژه در آسیای مرکزی کمترین آزادی مطبوعات مستقل به چشم می خورد و بسیاری از خبرنگاران و روزنامه نگاران مستقل و غیر وابسته مجبوره فرار به جمهوری روسیه و یاد دیگر جمهوری های سابق شوروی شده اند.

مطبوعات در کشور ما اینک ۱۶ سال است که در زیر تیغ استبداد مذهبی جمهوری اسلامی حیات متغیر و ناسالمی دارند و خطر تعطیل و توقیف هر لحظه آنها را تهدید میکند. از سالهای پس از انقلاب تاکنون بر اساس آمارهای واقعی، علاوه بر هجوم مکرر به مطبوعات و توقیف بسیاری از آنها، ۴۰ روزنامه نگار در زندان و یاد پای چوبه های دار جان باخته اند و ۲۰۰ نفر آنها نیز مجبوره مهاجرت شده اند. زندانی کردن کاریکاتورست نشربه فاراد در واقع تداوم سیاست خصمانه ای است که این رژیم از همان ابتدا نسبت به نشریات و روزنامه نگاران درگراوندش دنبال کرده است. وفا یعنی که در واپسین روزهای سال شمسی گذشته روی داد یعنی بستن روزنامه جهان اسلام و تعطیل ماهنامه فرهنگی تکاپو بار دیگر با بهای لرزان حیات و امنیت مطبوعات در جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت. خواست آزادی مطبوعات یکی از حلقه های اصلی مبارزه با استبداد و خود کامگی در کشور ما است.

### کرباسچی شهردار تهران:

## اگر احساس وظیفه کنم خود را نامزد ریاست جمهوری می کنم

معروف تهران در پاسخ به سوال خبرنگار پیمان امروز که گویا در نظر دارد خود را کاندیدای ریاست جمهوری کند گفته است:

بستگی به عوامل متعدد دارد. نمی توان پاسخ داد. در حال حاضر به چنین چیزی فکر نمی کند. اما پیام امروز از قول "دوستان شهردار" نقل می کند که شهردار به آنها گفته است "اگر احساس وظیفه کنم خود را کاندید خواهم کرد".

کرباسچی تنها چهره ای است که حداقل در تهران و اصفهان مردم درباره وی قضاوت متضاد دارند: یا دوستش دارند و یا از او متنفرند.

چنین احساسی به نحوی کم رنگ تر نسبت به وی در ذهن مردم در سایر نقاط کشور نیز شکل گرفته است. به خصوص در مورد اخوند های وزیر و کیل احساس تنفر تا آنجا است که بعید می نماید حتی در خود حزب الهیان هوادار حکومت نیز دل و دماغ رای دادن به آنان وجود داشته باشد. کرباسچی ۴۲ سال دارد و قبلا طلبه بوده که رها کرده و تکنوکرات شده است.

با نزدیک شدن پایان دو مین دوره ریاست جمهوری رفسنجانی نیروهای مختلف برای جانشینی وی طرح می ریزند. از مدتها پیش مسلم بود و هنوز هم قطعی است که باند مسلط بر حکومت به ناطق نوری نظر داشته و دارد. او خودش هم رسما اعلام آمادگی کرده، اما از وقتی معاون رفسنجانی عطا الله مهاجرانی در سال گذشته غیر مستقیم و در پرده تغییر قانون و انتخاب مجدد رفسنجانی را میماند انداخت و با توپ عوامل خامنه ای حسابی جازد تا امروز هنوز هیچ کس دیگری جرات نکرده است دهان باز کند. با این حال طی ماه های اخیر در محافل تکنوکرات ها مدبران دستگاه اداری کشور بحث "فرد لایق" برای جانشینی رفسنجانی داغ بوده است. چالب توجه است که دیگر در هیچ کجا کسی در این محافل از جانشینی رفسنجانی حرفی نمی زند. او حتی برای نزدیک ترین همکارانش "مردی تمام شده" حساب می آید.

در اسفندماه گذشته غلامحسین کرباسچی شهردار

### نقل مطلب از گروه های مخالف مجاز نیست!

اسلامی در خارج کشور امکان دارد این عمل مغایر با قانون مطبوعات تلقی شود

گرچه نفس شهامت درج خبر وصول و موضوع نامه ای آقای بنی صدر در پیام امروز خود قابل توجه است اما دو نکته را نیز نباید نا گفته گذاشت: اولاً همه می دانند که ابوالحسن بنی صدر یک فرد است و عضو هیچ یک از گروه های مخالف نیست. ثانیاً او بحال آن مملکت و آن قانون مطبوعاتش که مخالفین، رسماً نه تنها حق تبلیغ نظر خود را ندارند، بلکه اگر از سر دلسوزی برای وطن خویش چاره کار را پیشنهاد کردند آن قانون مطبوعات به ظن اینکه آن چاره ها ممکن است به نفع آن پیشنهاد دهنده تمام شود جامعه را حتی از شنیدن آن هم محروم سازد.

آقای ابوالحسن بنی صدر چندی پیش نامه ای ۵ صفحه ای را برای مجله اقتصاد ی پیام امروز که رویه ای مستقل را با ژانر می دهد، فاکس کرده و در آن ابتدا نظر خویش پیرامون علل تورم و عمل مسئولان کشور را بیان داشته سپس در ۴ صفحه بعدی تحت عنوان "حال راه حل کدام است؟" به بحث پیرامون چاره هایی که دولت باید در پیش گیرد پرداخته است.

مجله ی پیام امروز ضمن خبر وصول این نامه نوشته است: "از آنجا که در فصل چهارم قانون مطبوعات در ماده ای تاکید شده که نقل مطالب از گروه های مخالف به نحوی که تبلیغ آنها باشد مجاز نیست از چاپ نامه و پیشنهاد های آقای بنی صدر معذوریم زیرا با توجه به مخالفت های ایشان با جمهوری

### تقدیم بالا ترین درجه نظامی...

ادامه از صفحه ۱  
توطئه را اجرا کنند. ۱۴۳ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی هم این اقدام خامنه نی را ستودند و آن را نقطه عطفی در بر خورد حاکمیت به نیروی بسیج دانستند.

به این ترتیب فصل تازه نی در مناسبات دستگاه حاکمه و نیرو های نظامی آن گشوده شد. چند سال پیش حکومت بی اعتماد به نیرو های ارتش، با ایجاد ساختاری شبیه ارتش در سپاه پاسداران و اعطای درجات نظامی به اعضای سپاه کوشش نموده که نیرویی کاملاً مطیع برای مواقع حساس در اختیار داشته باشد. وقایع فزونی نشان داد که سپاه پاسداران نیز همچون ارتش اکنون واقع بین تر و آینده نگر تر از آن است که بی محابا بر روی مردم عاصی آتش بگشاید و به بهانه ای آنکه مسئولیت او حفاظت از مرزهاست تلاش دارد که در منازعات مردم و حکومت خود کامه، خود را تا آنجا که می تواند کنار کشیده، مانع تلاشی خود بر اثر رشد تضادهای درونی شود. از آن هنگام حکومت آگاه بر این موضوع که آنچه بقای او را بیشتر تهدید می کند، نه حمله ای نظامی از خارج کشور، بلکه تداوم

## جان صدها تن از بازداشت شدگان تظاهرات اسلام شهر در خطر است!

اطلاعیه مشترک

هم میهنان، جهانیان آزاده، دولت ها و سازمان های بین المللی مدافع حقوق بشر!

پس از آنکه نیرو های مسلح جمهوری اسلامی اجتماع ساکنان "اسلام شهر" را که خواهان حل مشکل آب آشامیدنی خود بودند به گلوله بسته و دهها نفر را کشتند، اکنون شواهد حاکی از آنست که حکومت ایران برای زهر چشم گرفتن از مردم، در صدد کشتارده ها نفری است که در جریان این تظاهرات دستگیر شده اند. برخی عوامل حکومت و نیز در تظاهرات قلابی که خود حکومت روز بعد از واقعه اسلام شهر بر پا کرد، آشکارا از "اعدام اخلاص گران" سخن رفته و بیم آن می رود که بازداشت شدگان در خفا اعدام شوند. تجربه وقایع مشهد و قزوین و اعدام دهها تن از بازداشت شدگان، بر این قصد سوء حکومت صحه می گذارد.

ما امضا کنندگان این فراخوان، بنام حقوق بشر و بنام انسانیت از همه هم میهنان و آزادگان جهان و همه دولت ها و مجامع بین المللی طرفدار حقوق بشر می خواهیم از هر امکانی برای اعمال فشار به جمهوری اسلامی جهت جلوگیری از کشتار دستگیر شدگان استفاده کنند.

حزب دموکرات کردستان ایران  
حزب دموکراتیک مردم ایران  
سازمان جمهوری خواهان ملی ایران  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
۲۲ فروردین ۱۳۷۴ - ۱۱ آوریل ۱۹۹۵

### نامه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به دفتر سیاسی اتحادیه میهنی کردستان عراق

جناب آقای جلال طالبانی

دوستان گرامی!

با ناباوری اطلاع پیدا کردیم که پیشمرگان حزب شما را بوی صدای کردستان ایران را که متعلق به حزب دموکرات کردستان ایران است، در اشغال خود گرفته و مانع از پیش برنام های آن شده اند. این اقدام شما ما به تعجب و تاسف ما گردید. برای ما پذیرفتنی نیست که نیرویی که خود برای دموکراسی در کشور خویش پیکار می کند به اقدامی دست زند که به تضعیف نیرو های دموکرات کشور ما بیانجامد. تاسف بار تر آنکه این اقدام شما - آنطور که اطلاعیه دفتر سیاسی حزب دموکرات کردستان ایران اشعار می دارد - بنا به خواست حکومت اسلامی ایران و زور فشار تهران صورت گرفته است.

شما بیش از هر کسی دیگری از تجارب تلخ چند دهه گذشته احزاب و نیرو های کرد منطقه آگاهی دارید و دیده اید و ما نیز شاهد بوده ایم که تمکین به دخالت و اعمال نفوذ دولتهای منطقه - هر چند در مقطعی متضمن منافع و امتیازاتی برای حزبی یا نیرویی بوده - در درازمدت چه پیامدهای ناگواری برای آن نیروها ببار آورده است. نباید اجازه داد این تجارب تلخ دوباره تکرار شود.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مصرا از شما می خواهد به پیشمرگان خود دستور دهید از اشغال رادیوی حزب دموکرات کردستان ایران دست بردارند تا این رادو بفعالیت های خود را از سر گیرد. ما اطمینان داریم که شما با شناختی که از حکومت ایران دارید، به حفظ مناسبات حسنه خود با اپوزیسیون ایران اهمیت می دهید و همچون ما اعتقاد دارید که قوت و قدرت اپوزیسیون دموکرات در هر یک از د و کشور عراق و عراق به سود دموکراسی در هر دو کشور همسایه است.

با درود های دوستانه  
شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
۱۴ آوریل ۱۹۹۵

### تحریم رژیم اسلامی...

ادامه از صفحه ۱

سرنوشتی حکومت های آنها نشده است. بلکه به فقیر بیشتر مردم آنها منجر گردیده است. فقر موجبات سرنوشتی حکومت های مستبد را فراهم نمی آورد. کشورهای فقیر متعددی وجود دارد که دیکتا تو راها هم چنان بر آنها حاکم هستند. تحریم نفتی عراق توسط سازمان ملل متحد، رژیم صدام را ساقط نکرد بلکه مردم عراق را به فلاکت نشاند.

ما معتقد به فشار های بین المللی به رژیم اسلامی برای تأمین حقوق بشر، دست کشیدن از ترور مخالفین و قطع حمایت از تروریست ها و کاهش بودجه نظامی هستیم. اما تحریم نفتی و در تداوم آن تحریم اقتصادی، ما اجزای حیاتی نظامی در منطقه، تعیین جانشین برای حکومت، تحریک اسرائیل برای بمباران کارخانه اتمی نمی تواند مورد تأیید نیرو های دموکرات و آزادخواه ایران قرار گیرد. این اقدامات علیه مردم و منافع ملی ما است و از نظر ما محکوم می باشد. بر کناری رژیم حاکم و پوزیسی دموکراسی در کشور با پدید آمدن مردم و نیرو های اپوزیسیون صورت گیرد. جابجایی قدرت و تحول بدست دیگران نمی تواند منافع ملی و استقلال کشور را تأمین و دموکراسی را در کشور مستقر سازد. ما تجربه تلخی از جریان ۲۸ مرداد ماه و کودتای سیا در کشورمان داریم. بیگانگان برای ما نه استقلال و دموکراسی، بلکه دیکتاتوری و وابستگی بوجود می آورند.

## دستگیر شدگان تظاهرات...

ادامه از صفحه ۱

گفته شده است که به دنبال نخستین تیراندازی ها، بین نیروهای نظامی اختلاف پدید آمده و حتی منجر به تیراندازی متقابل بین آنها گردید. مردم توانستند نیروهای سرکوبگر رژیم را عقب بنشانند و راهپیمایی به سوی تهران را ادامه دهند. پس از آن بوده است که هلی کوپترها سر رسیده اند. مردم در ابتدا تصور کردند که هلی کوپترها برای حمل مجروحین و کشته شدگان به بیمارستانها، آمده اند. اما هلی کوپترها از هوا به روی مردم آتش گشودند. بیشترین تلفات و کشتار در این مرحله از هوا صورت گرفت. ده ها تن بر اثر تیراندازیهای وحشیانه ماموران رژیم کشته شدند و تعداد مجروحان تا صدها تن رسیده است. منابع وابسته به رژیم نسبت به ابعاد این جنایت سکوت کرده اند. هفته نامه "کیهان هوایی" که برای خارج از کشور انتشار می یابد، تعداد کشته ها را ۸ نفر ذکر کرده است و این تنها رقمی است که از سوی منابع رژیم در این مورد انتشار یافته است. آیت الله یزدی رئیس قوه قضاییه در مصاحبه مطبوعاتی به تاریخ ۲۷ فروردین ماه بدون اشاره به کشته شدن مردم، پیرامون این حوادث چنین گفت: "اکثر ساکنان این منطقه کارگر هستند که با وسایل نقلیه عمومی به محل های کارشان می روند. در روز حادثه، تعدادی مینی بوس از خطوط خارج شده و بقیه نیز نرخ خود را از ده تومان به ۱۵ تومان افزایش داده بودند. هنگامیکه این کارگران سوار مینی بوس شده بودند، راننده اعلام کرده بود: نرخ کرایه از امروز ۵ تومان افزایش یافته است که باعث اختلاف بین مسافران و راننده شد. مسافران برای تعیین تکلیف به شهرداری مراجعه می کنند که کسی نبوده با سخنگو باشد. به تدریج بر تعداد مسافران افزوده شد و با توجه به مشکلات آب آشامیدنی، آن مساله پیش آمد."

### جان دستگیر شدگان در خطر است

از تعداد کسانی که در جریان تظاهرات دستگیر شده اند، اطلاع رسمی منتشر نشده است. رئیس قوه قضاییه دستگیریهایی گسترده را مورد تأیید قرار داد و گفت: "در ابتدای امر، نیروی انتظامی، عده زیادی را دستگیر کرد و در ۲۴ ساعت اول نیز با حضور دستگاه قضایی، اکثر آنان آزاد شدند و اکنون تحقیقات از عده بسیار کمی که میانشان این جریان بودند، ادامه دارد."

بر خلاف ادعای رئیس قوه قضاییه، دستگیریهایی گسترده تنها به ابتدای امر محدود نشده و تا روزها پس از تظاهرات در سطح گسترده ای ادامه داشته است. گفته می شود بنا به دستور مستقیم ستاد بحران وزارت کشور، از شب ۱۶ فروردین بازرسی خانه به خانه در محلات اسلام شهر با حداکثر خشونت صورت گرفته است و در جریان این بازرسی ها گروه وسیعی دستگیر شده اند. بنا به خبرهایی که از منابع درونی رژیم به خارج رسیده است، مامورین رژیم با دوربین های مخفی از تظاهرات فیلم های ویدئویی تهیه کرده اند و با استفاده از این فیلم ها به شناسایی و دستگیری فعالین تظاهرات اقدام کردند. بسیاری از دستگیر شدگان رادر نقاطی نامعلوم نگهداری می کنند، به خانواده های آنان اجازه ملاقات نداده اند و هیچ اطلاعی نیز از وضع دستگیر شدگان در اختیار بستگانشان قرار نمی دهند. سران

رژیم رسماً به شدت عمل با دستگیر شدگان اعتراف کرده اند. گروهی از این عده شکنجه های شدید شده اند و آنها را تحت فشار قرار داده اند که در برابر دوربین تلویزیون "اعتراف" کنند که از عوامل خارجی برای ایجاد اغتشاش دستور گرفته اند. به دنبال تظاهرات مردم در اراک، شیراز، مشهد و قزوین رژیم گروهی را به جوخه های اعدام سپرد. اکنون با توجه به خشونت که رژیم در سرکوب مردم اسلام شهر به کار گرفت و تهدیدهای آشکار مقامات رژیم، بیم آن می رود که تعداد زیادی از دستگیر شدگان را اعدام کنند.

### واکنش ها

تظاهرات اسلام شهر و کشتار مردم توسط ماموران رژیم، واکنش گسترده ای را در داخل و خارج از کشور برانگیخت. همه نیروهای سیاسی اپوزیسیون کشتار مردم را محکوم کردند و نسبت به خطر اعدامهای تازه هشدار دادند. در ایران، علیرغم وجود استبداد و تهدیدهای آشکار و پنهان، مخالفت صریح با سیاست استبدادی رژیم و سرکوب مردم بالا می گیرد. دانشجویان، فرهنگیان و کارکنان دولت، در یک گفتگوی تلفنی با بخش فارسی رادیوی سوئد، ضمن اعتراض به کشتار مردم و هشدار نسبت به خطراتی که جان دستگیر شدگان را تهدید می کند، خواهان برقراری یک اتحاد بزرگ علیه استبداد شد و گفت: "حزب ملت ایران هواداری اتحاد بزرگ میان همه سازمان های سیاسی ناسازگار با روند یک تازی و یک تلاش جبهه ای می باشد و در این راستا کوشش های بسیار هم شده است و من امیدوارم چنین رویدادهای افسوس آوری که به آن اشاره کردم، بیش از پیش همه حزب ها با همدیگر به هم پیوند نزدیک تر کنند و بتوانند برنامه هماهنگی برای شکل سازمان دادن به جنبش خواستار مردم سالاری که اکنون در ایران پا گرفته، داشته باشند."

سازمان فداییان خلق ایران (اکسیرت)، حزب دموکرات کردستان ایران، جمهوری خواهان ملی ایران و حزب دموکراتیک مردم ایران نیز با صدور اطلاعیه مشترکی ضمن اعتراض به کشتار مردم، خواهان اعمال فشار به جمهوری اسلامی برای آزاد ساختن دستگیر شدگان حوادث اخیر شدند.

در اطلاعیه مشترک دیگری به امضای حزب دموکرات ایران، سازمان اتحاد فداییان خلق ایران، شادید شده اند و آنها را تحت فشار قرار داده اند که در برابر دوربین تلویزیون "اعتراف" کنند که از عوامل خارجی برای ایجاد اغتشاش دستور گرفته اند. به دنبال تظاهرات مردم در اراک، شیراز، مشهد و قزوین رژیم گروهی را به جوخه های اعدام سپرد. اکنون با توجه به خشونت که رژیم در سرکوب مردم اسلام شهر به کار گرفت و تهدیدهای آشکار مقامات رژیم، بیم آن می رود که تعداد زیادی از دستگیر شدگان را اعدام کنند.

### التهاب و انتظار

بدنبال رویداد خرنین اسلام شهر، رژیم به نمایش قدرت پرداخته است و با گسیل قوای نظامی به خیابانها در صدد مرعوب کردن مردم ناراضی است. در تهران و برخی از شهرهای بزرگ، در تمام روزهای عید، نیروهای مسلح، حضور چشمگیری در سطح شهرها داشتند، بار دیگر قوای نظامی به خیابانها بازگشته اند. اما علیرغم حضور تهدید آمیز نیروهای سرکوبگر، زمینه های اعتراضی نه تنها تخفیف نیافته، بلکه در یک ماهه اخیر بسیار افزایش یافته است. گرانی ها که زمینه ساز اصلی اعتراضات و نا آرامی هاست به طور ماهرانه پدیری تشدید شده است. هم مردم و هم رژیم در حالت انتظار به سر می برند فضای کشور بیش از همیشه ملتهب است. سران رژیم در سخنان خود سر بسته وجود فضای آماده انفجار را تأیید می کنند. آیت الله یزدی در مصاحبه خود گفت: "مسایل افزایش قیمت سوخت در سراسر کشور نیز مطرح بود، اما برخی از فرماندهان و مسئولان اجرایی شهرها برای پیشگیری از وقوع این حوادث قیمت کرایه ها را متعادل کردند و قضیه در این شهرها به حالت عادی درآمد. اما نه قیمت ها متعادل شده است و نه شهرها حالت عادی دارند. در ایران همه منتظر حوادث تازه ای هستند."

### سفر رفسنجان به هند

مخدر و برنامہ هایی اجرایی برای مبادلات فرهنگی علمی و فنی و مهتر از همه قرارداد سه جانبه ای ایران و هند و ترکمنستان درباره عبور کالا های هندی از بمبئی و دیگر بنادر غرب هند از راه دریای بندرعباس و از آنجا از طریق راه آهن بندرعباس بافق سرخس به ترکمنستان و دیگر کشورهای آسیای میانه بود. مذاکراتی نیز درباره ای احداث لوله ای انتقال گاز به هند از طریق پاکستان، پروژه ای خط فیبر نوری موسوم به راه بریش نیز صورت گرفت که نتایج آن اعلام نشده است. رفسنجانی در سفر خود علاوه بر اهداف اقتصادی گفته شده، اهداف سیاسی معینی را نیز تعقیب می کرد. وی در آستانه ای سفرش اعلام کرد که رژیم جمهوری

## آمریکاراههای تشدید...

ادامه از صفحه ۱

خواسته است در سیاست خود علیه جمهوری اسلامی متوجه ترند رقیب حزبی خود باشند. در بیانیه آمده است: "شاید هم امروز حزب رقیب برای ساخت پل پیروزی از طریق پارلمان که سنگر جدیدشان می باشد، دام خطرناکی را در مقابل دولتمردان کنونی آمریکا گسترده باشد. دلیل تحرکات جاری هر چه باشد کارگردانان سیاسی آمریکا باید به سوء برداشتها و عملکرد غلط و اشتباهات تاریخی خود بیندیشند." و در ادامه برای کم اهمیت نشان دادن نقش تحریم اقتصادی از سوی آمریکا بیانیه می گوید: "اعلام ممنوعیت معاملات با جمهوری اسلامی از طرف آمریکا نمی تواند حادثه قابل توجهی در اقتصاد کشور به حساب آید. سپس بدون اشاره مستقیم به لغو قرارداد یک میلیارد دلاری "کونوکو" گفته شده است که جمهوری اسلامی به عقد این قرارداد نیازی نداشته و قرارداد را برای آن بسته بود تا سیاست دوپهلوی آمریکا را افشا کند. رفسنجانی می نویسد: "ممکن است برخی معاملات تجاری آن (آمریکا) را فریب داده باشد اما کمی تفکر نشان خواهد داد که این همکاری ها از روی اضطرار نبوده و می تواند ادله دیگری داشته باشد، همچون روشن شدن سیاست یک بام و دو هوای آمریکا که خود مایل به برقراری مناسبات اقتصادی با ایران است، در حالی که چنین مناسباتی را برای دیگران جایز نمی داند و رقبای خود را برای قطع مناسبات تحت فشار گذاشته است."

در این بیانیه در پاسخ به نقش مخرب جمهوری اسلامی در روند صلح خاورمیانه و به طور مشخص دخالت رژیم در مذاکرات اسرائیل با فلسطینی ها تا کید شد که حمایت لفظی جمهوری اسلامی نباید آمریکا را برنجاند و اعتراض دولتمردان این کشور را برانگیزد. "زیرا ما فقط اظهار نظر کرده ایم و عملی انجام نداده ایم." سخن مشابهی هاشمی رفسنجانی یک روز پیش از سفر به هند در مصاحبه مطبوعاتی با خبرنگاران هندی مطرح کرد و گفت: "دنیا باید این مقدار ازادگی را داشته باشد که اظهار نظریک دولت را بدون اینکه دخالت عملی بکند، به عنوان حق اظهار نظر بپذیرد و از این جهت نباید کسی به ما اعتراض داشته باشد." رفسنجانی در پایان بیانیه خود خطاب به دولت آمریکا نوشته است: "این گونه تحریکات غیر قانونی و غیر منطقی تنها به بی ثباتی در منطقه و اختلال در روابط سالم سیاسی و اقتصادی بین المللی منجر خواهد شد."

### انتقاد از سیاست رفسنجانی

روزنامه جمهوری اسلامی به بهانه انتشار بیانیه، مقاله ای در نقد سیاست گذشته رفسنجانی چاپ کرد و وی را فاقد درک سیاسی خواند. روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: "کسانی که در سالهای اخیر مذاکره با آمریکا و داشتن روابط سیاسی و تجاری با واشنگتن را توصیه می کردند، اکنون باید به عدم درک سیاسی خود پی ببرند." روزنامه جمهوری اسلامی ماجرای عقد قرارداد "کونوکو" و لغو آن را هشدار برای مخالفین رابطه با آمریکا خواند و تا کید کرد: "نباید به سادگی از کنار آن بگذریم." روزنامه سلام که با مسئولیت خرنینی ها منتشر می شود، با خوشحالی از تشدید تخاصم مقاله مشابهی چاپ کرد و رفسنجانی را

ظرفیت تولید نفت ایران که روزه روز در حال سقوط است، داشت. همزمان با لغو قرارداد کونوکو، فشار آمریکا بر جمهوری آذربایجان به منظور مخالفت با فروش سهام نفتی این کشور به جمهوری اسلامی بیشتر شد و بالاخره دولت جمهوری آذربایجان از واگذاری بخشی از سهام خود در کنسرسيوم بین المللی نفت به رژیم ایران خودداری کرد. قرارداد ای که بسته شده بود اما بر اثر فشار آمریکا و توشه و شرکت ملی نفت ایران به عضویت کنسرسيوم فروش را کتورهای هسته ای روسیه به ایران قطع همکاری هسته ای مسکو با تهران هنوز خوشبین است و منتظر است آن را روز ۲۱ اردیبهشت در مسکو در دیدار کلیتون با پلنتسین به کرسی بنشانند. حاصل فشار آمریکا بر ژاپن برای قطع کمک مالی توکیو به تهران به نتیجه رسید و ژاپن اعلام کرد که از پرداخت دومین قسط وام های عمرانی به ایران خودداری خواهد کرد. مبلغ این وام ۴۵۰ میلیون دلار بود. در اروپا بار دیگر فتوای قتل رشدی در مرکز توجه قرار گرفت. رشدی در انتظار عمومی ظاهر شد، پارلمان اروپا با صدور بیانیه ای به دلیل سرکوب مردم اسلام شهر و فتوای قتل رشدی جمهوری اسلامی را محکوم کرد و چند روز بعد سفرای کشورهای اروپایی در تهران با مقام های جمهوری اسلامی دیدار کردند و از جمهوری اسلامی خواستند درقبال دریافت تسهیلات اقتصادی فتوای قتل رشدی را لغو کند. فشار آمریکا برای جلب کشورهای اروپایی علیه جمهوری اسلامی ادامه دارد.

### بیانیه دولت جمهوری اسلامی

متن بیانیه دولت روز پنجشنبه ۲۴ فروردین از آزاد پو و تلویزیون پخش شد و مطبوعات آن را چاپ کردند. بیانیه دولت که با امضای رفسنجانی صادر شد، علیرغم لحن تند آن، محتوایی آشتی جویانه دارد و آینه تمام نمای رژیم است. بخشی از بیانیه به تاریخچه روابط دو کشور و سیاست مداخله گرانه آمریکا در قبال جمهوری اسلامی طی پانزده سال اختصاص دارد و در آن بر خصومت ناشی از سوء تفاهم آمریکا علیه نظام جمهوری اسلامی تا کید شده است. بیانیه به توضیح مواضع جمهوری اسلامی در رد تروریسم، تلاش برای دستیابی به سلاح های هسته ای و صلح خاورمیانه پرداخته و از بیل کلیتون و حزب دموکرات

## مشت نمونه خروار!

حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی (نماینده مردم تهران و رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی): ... متأسفانه برخی مسئولین دولتی در مواردی آن چنان مخارج غیر ضروری انجام می دهند که گویا از وضعیت مالی کشور بی اطلاع هستند، بطور مثال اخیراً مسئول یکی از دستگاههای دولتی برای انجام افتتاح یک واحد تولیدی صنعتی حدود ۳۰ میلیون تومان هزینه کرده و سالانه مقادیر فراوان اعتبار برای اینگونه افتتاح ها هزینه می شود. ...

یکی از وزارتخانه ها می خواهد چهارصد میلیون تومان هزینه نماید در حالی که هیچ مسئولیتی در کارورزش ندارد و با کمال تأسف از این موارد در دستگاههای دولتی فراوان دیده می شود. ... اخیراً یک مراسم عروسی در یکی از هتل های تهران برگزار شد که مهریه عروس ۵۰۰ سکه طلا و بیش از ۲۰ میلیون تومان بوده که نمی تواند با معیارهای اسلامی و ملی سازگاری داشته باشد. ... (تلخیص از روزنامه رسالت مورخ ۱۶ فروردین ۷۴)

## آغاز تلاشی عبث برای بستن دریچه ئی به دنیا

خانه ها خواهند شد و آنتن ها را جدا کرده و مصداقه خواهند کرد. روزنامه ای جمهوری اسلامی نیز از قول خبرنگارانش در روز یکشنبه نوشت که حتی یک آنتن ماهواره ئی در پشت بام منازل به چشم نمی خورد.

به این ترتیب ظاهراً اکثر تجهیزات دریافت ماهواره ئی متعلق به مردم عجتاً از انتظار خارج و یا به خوبی استتار گردیده و یا در زیرزمین ها پنهان شده اند تا در فرصتی دیگر دوباره بر بام ها جای گیرند.

طریق عکس هایی که از آسمان گرفته شده است مشخص کرده اند و مشکلی برای جمع آوری آنها موجود نیست. وی همچنین هیئت مدیره ای مجتمع های مسکونی را مسئول در برابر قانون خوانده، آنها را موظف به جمع آوری آنتن ها کرده بود. سرتیپ سیف الهی فرمانده نیروهای انتظامی نیز که قبلاً اعلام کرد که به ما موران دستور داده شده است که کار جمع آوری آنتن ها را با ظرافت ولی قاطعیت انجام دهند، روزشنبه به کسانی که هنوز اقدامی نکرده اند هشدار داد که ما موران انتظامی وارد

در شرایطی متفاوت با سال گذشته، زمانی که بشارتی وزیر کشور رژیم به آنتن ها اعلان جنگ داد، مسئولیت اجرای این قانون به او و نیروهای انتظامی زیر فرمان او محول شده است. وی در روزشنبه ی این هفته ادعا کرد که تا نخستین روز عملیات جمع آوری آنتن ها، ۹۰ درصد مردم داوطلبانه به برچیدن آنتن های خود مبادرت کرده اند و آن را نشانه ی توجه ملت به قوانین جمهوری اسلامی و اجرای نظریات آن دانست. او قبلاً گفته بود که تعداد آنتن های ماهواره ئی در تهران را از

## هدیه ی رژیم به آدم کشان مزدورش

پاره ئی ملاحظاتی او را و دارد که ارتباط خویش را با آنتنی که در سرزمین دیگر در جنگال عدالت و قانون گرفتار آمده اند، نفی کند. آخرین اقدام رژیم در این عرصه تصویب لایحه ی استخدامی وزارت اطلاعات در یکشنبه ی هفته ی گذشته است که بر اساس یکی از مواد آن مستخدمانی از آن وزارتخانه که اسیر شده یا به گروگان گرفته شده

باشند تمامی مدت اسارت یا گروگان بردنشان دو برابر سنوات خدمتی آنها محسوب شده و خانواده ی تحت تکفل آنان از حقوق و مزایای آنها استفاده خواهند کرد و در صورتی که در مأموریت مفقودالثر شوند، از زمان مفقودالثر شدن تا تعیین وضعیت شان جزو سنوات خدمتی شان محسوب می گردد.

اگر هر یک از مردم شریف میهنمان ابلیس جمهوری اسلامی را هزاران عیب بر بتواند شمرد، روح و وجدان فروخته نوکرانشان هرگز بر او خرده نتوانند گرفت که این شیطان هیچگاه در دوران سختی و دشواری آنان را تنها نگذاشته، به حساب مردم محروم بی بضاعت، ایشان را همراه از الطاف بیکران خود بهره مند ساخته و می سازد، حتا هنگامی که

## خبرهای کوتاه

### عدم امضای قرارداد

علی اکبر ولایتی وزیر خارجه ی رژیم اعلام کرد که ایران قرارداد منع گسترش سلاح های هسته ئی را به صورت کنونی آن که برای یک مدت نامحدود تعیین شده امضاء نخواهد کرد و در این زمینه شرایطی دارد که امضای پیمان را منوط به اجرای آنها می داند. وی ضمن اعلام اینکه این پیمان تنها کشورهای غیر اتمی را از دستیابی به نیروی هسته ئی برای مقاصد مسالمت آمیز بازمی دارد، خواستار لغو امتیازاتی شد که این پیمان به ۵ قدرت اتمی شناخته شده ی جهان داده است. ولایتی همچنین خواستار پیوستن اسرائیل به پیمان منع گسترش سلاح های هسته ئی گردید.

### زنان می توانند باز پرس و قاضی تحقیق شوند

با اصلاح قانون مربوط به شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب سال ۶۳، بعد از این رئیس قوه قضائیه می تواند در موارد نیاز بانوانی را که واجد شرایط انتخاب قضات دادگستری می باشند برای تصدی پست های مشاورت، قاضی تحقیق و باز پرس استخدام کند.

### راه اندازی یک کانال جدید تلویزیونی

مدیر شبکه ی دوم تلویزیون جمهوری اسلامی هفته ی پیش اعلام کرد که قرار است یک کانال مستقل برای پخش برنامه های ماهواره راه اندازی شود. به گفته ی وی این کانال برنامه های "مفید" ماهواره را با زیر نویس فارسی پخش خواهد کرد.

### ایران به عضویت "گات" در می آید

نعمت زاده وزیر صنایع جمهوری اسلامی اعلام کرد که آخرین بررسی ها درباره پیوستن ایران به پیمان تعرفه و تجارت جهانی (گات) به عمل آمده و قرار است نتیجه بررسی ها در هیأت دولت مطرح شود و ایران بطور رسمی به عضویت این پیمان در آید. وی ضمن اعلام موافقت خود در پیوستن به گات در رابطه با جنبه های مثبت و منفی ورود به "گات" گفت: ممکن است در برخی صنایع مثل خودروسازی و تولید لوازم خانگی مشکل پیدا کنیم اما در بسیاری زمینه های دیگر مانند صنایع غذایی و نساجی امکانات برتر داریم.

### آلودگی دریای خزر در حد هشدار دهنده

شدت آلودگی دریای خزر به حدی رسیده است که به نظر کارشناسان محیط زیست انجام اقدامات فوری را ضروری ساخته است. در این رابطه قرار است هیأتی دوازده نفره موسوم به "ابتهکار دریای خزر" متشکل از کارشناسان بانک جهانی، برنامه ی عمران سازمان ملل و برنامه ی محیط زیست سازمان ملل به مدت یک ماه ضمن دیدار از کشورهای حاشیه ی دریای خزر، وضعیت زیستی این دریا را بررسی می کنند. همچنین پیش بینی شده است که متعاقباً کارشناسان محیط زیست از کشورهای ذی ربط در تهران گرد هم آیند تا درباره یافته ها و توصیه های هیأت مذکور بحث و بررسی بپردازند. در خبر دیگری معاون عمرانی وزارت کشور اعلام کرد که آب دریای خزر که در سالهای اخیر پیشروی کرده بود بتدریج عقب می شیند.

### انتشار چهار نشریه جدید

هیئت نظارت بر مطبوعات جواز انتشار چهار نشریه جدید را تصویب کرد. این نشریات عبارتند از روزنامه صبح ایلام به نام سید محمد حائری، هفته نامه ورزش ایران به نام تربیت بدنی، هفته نامه "تهران-تهران" به نام نصرت الله زمانی و فصلنامه "ثلث" به نام محمد علی شادمانی.

### برگزاری اولین مرحله کنکور

مرحله اول آزمون سراسری سال ۷۴ در روزهای ۳۱ فروردین و اول اردیبهشت برگزار شد. در کنکور امسال که به طور همزمان در تهران و شهرستانها و همچنین کشورهای کویت، ترکیه، سوریه، قطر، پاکستان و دبی برگزار شد، تعداد یک میلیون و ۱۹۷ هزار و ۹۴ نفر داوطلب شرکت داشتند. در استان تهران تعداد داوطلبان زن بیش از مردان بود.

### اصلاح قانون وظیفه عمومی

در طرح اصلاحیه قانون وظیفه عمومی که در مجلس به تصویب رسید تسهیلاتی برای معافیت افراد واجد شرایط پیش بینی شده است. بر اساس ماده ۱۲ این طرح تحصیل فرزندان ایرانیان خارج از کشور و فرزندان ما موران ثابت دولت در خارج از کشور تا گرفتن دیپلم بلا مانع است.

### حذف درهم، دینار و حله از احکام دیات

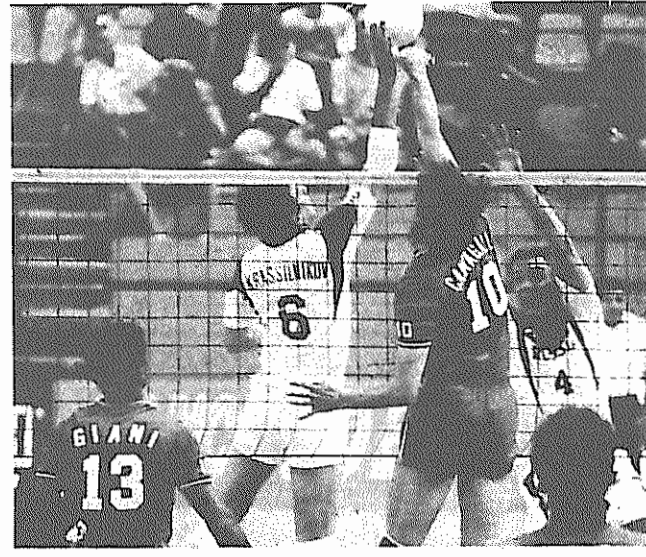
وزیر دادگستری اعلام کرد که به فتوای خامنه ای درهم، دینار و حله از ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی حذف شد. بر اساس این ماده دیه ی "مرد مسلمان" یکی از موارد ششگانه ذیل بود که متهم در انتخاب یکی از آنها آزاد بود. ۱- یکصد نفر شتر سالم ۲- دویست راس گاو ۳- یکصد راس گوسفند ۴- دویست دست لباس از حله های یمن ۵- یکصد راس بنار مسکوک ۶- ده هزار درهم مسکوک. بر اساس فتوای خامنه ای سه مورد آخر حذف و فرارش برای سه مورد دیگر هم معادل ریالی آنها تعیین و این نرخ ها هر شش ماه تعدیل می شود. در اولین محاسبه نرخ یکصد شتر رقمی بیش از سه میلیون تومان، نرخ دویست گاو بیش از شش میلیون تومان و نرخ هزار گوسفند بیش از ۹ میلیون تومان برآورد شده است که قاتل محکوم به پرداخت دیه در انتخاب یکی از آنها مختار خواهد بود!

## رویدادهای ورزشی

### قهرمانی باشگاه های والیبال آسیا

تیم والیبال فولاد اهورا پس از پیروزی در مقابل تیم الهلال عربستان سعودی در دومین دیدار خود با نتیجه ۳ بریک از سد تیم الکازمیه کویت نیز عبور کرد. این بازی که در گیم اول با نتیجه ۱۷-۱۵ به سود تیم الکازمیه کویت تمام شده بود در پایان ۱۰۰ دقیقه تلاش اهوراییها با نتیجه ۳ بریک به سود اهوراییان یافت. دیدار بعدی تیم فولاد اهورا در مقابل تیم فتح تهران انجام شد. تیم فتح تهران در اولین بازی خود روی روی تیم پر قدرت سانتوروی ژاپن قرار گرفت و به شکست ۳ بر صفر تن داد.

تیم سانتوروی برای کسب مقام قهرمانی این مسابقات به نتیجه برسد در مقابل فولاد اهورا احتیاج دارد.



### تساوی پیروزی در کویت

تیم فوتبال پیروزی تهران که در رقابتهای چهار جانبه کویت شرکت دارد در دیدار اول خود در مقابل تیم المپیک کویت قرار گرفت. بازی پر افت و خیز دو تیم در پایان ۹۰ دقیقه با نتیجه یک بریک به پایان رسید. در دومین بازی تیم پیروزی در مقابل القادسیه کویت قرار گرفت این مسابقه هم مانند دیدار قبلی با نتیجه مساوی و بدون گل پایان یافت. تیم پیروزی تهران که از ۳ بازیکن کمکی تیم استقلال در این مسابقات

### تیم ملی کشتی ایران چهارم شد

شکست در اردوی کشتی ایران شروع شد و یقیناً کشتی گیران تیم ملی ایران در روزهای ۸۲، ۹۰، ۱۰۰ و ۱۳۰ کیلوگرم در مقابل رقیب ترک خود تن به شکست دادند. در پایان تیم ترکیه با دستیابی به امتیاز بیشتر پیروز شد. در برابر تیم ملی کشتی آمریکا کشتی گیران ایرانی در روزهای ۴۸، ۶۸ و ۷۴ کیلوگرم به پیروزی رسیدند. در ۷۴ کیلوگرم از آسیب دیده گی پیروز یاری، علی اکبر نژاد کشتی گیر ۶۸ کیلوگرم به دیدار حریف آمریکایی رفت و در یک کشتی حساب شده در مقابل حریف به پیروزی دست یافت. در باقی اوزان کشتی گیران ایرانی با شکست تشک را ترک کردند.

بدترین دیدار تیم ملی کشتی ایران در مقابل تیم ملی کشتی روسیه بود. در این رویارویی تیم ملی ایران تنها در وزن ۵۲ کیلوگرم به پیروزی رسید. غلامرضا محمدی در مقابل حریف روس خود چجسی اول ماتکوش با برتری کامل پیروز شد. در بقیه دیدارها کشتی گیران ایرانی میدان را به حریفان واگذار کردند.

در پایان این مسابقات تیم ملی ایران با ۳ پیروزی و ۳ شکست و کسب ۱۴ امتیاز به مقام چهارم رسید. تیم ملی آمریکا با ۵ پیروزی و ۱۰ امتیاز، تیم ملی روسیه با ۴ پیروزی و یک شکست با ۸ امتیاز و ترکیه با ۳ پیروزی و ۲ شکست به ترتیب اول تا سوم شدند. تیم های ملی کشتی آزاد کانادا و ژاپن در رده پنجم و ششم این مسابقات قرار گرفتند.

### پیروزی برق در دوی

تیم برق شیراز برای انجام سه بازی دوستانه به دوی سفر کرد. تیم برق شیراز در اولین دیدار خود با الاهلی دوی به تساوی بدون گل دست یافت و در دومین دیدار خود با همین تیم به پیروزی ۳ بریک رسید. برقی ها در مصاف سومشان با الاهلی با برد ۲ بریک به کار خود پایان دادند.

### جام باشگاه های آسیا

مراسم قرعه کشی جام باشگاه های آسیا در شهر ابوظبی امارات متحده به پایان رسید. تیم باشگاه سایپای تهران با تیم هائو از عمان و کویت همگروه است.

دکتر منوچهر فرهنگ:

## دولت باید دست از سرفزایش خود سرانه

### نرخ ارز بردارد

دکتر فرهنگ که از اقتصاددانان برجسته ایران است ابراز عقیده کرده است که گرانی فعلی و بخصوص افزایش نرخ برابری ارزهای خارجی نتیجه سیاست‌های خود دولت است. وی می‌گوید: "دولت باید بیش از این با نرخ سکه‌ی طلا این گونه عیان بازی نکند".

(قابل توجه است که طی ماه‌های قبل از عید دولت با بگرویند صراف‌ها، بازار تبدیل ارز را کد کرد و هر اس مردم از سقوط قیمت ریال و تلاش آنان برای فرار از ریال را به سوی خرید طلا سوق داد. در عین حال به عرضه‌ی فراوان وانحصاری سکه‌های طلای بهار آزادی به قیمت بسیار بالا مقدار

زیادی سود باد آورده را از جیب مردم به کیسه خود سرازیر کرده است) دکتر فرهنگ می‌نویسد: "دلال بازی در شأن دولت نیست. دولت باید بجای افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی و ورود ماشین سواری را قطع کند. باید تمام اتوموبیل‌های دولتی را جمع‌آوری کند تا هر کس به هزینه خود سرکار حاضر شود. باید وسایل رفت و آمد جمعی را توسعه داد".

وی می‌افزاید: "اقتصاد ایران به سبب اسراف در مخارج دولتی و شبه دولتی در حلقه‌ی بسته افزایش قیمت‌ها و تورم گرفتار آمده است. این چرخه‌ی نامبارک و شوم باید با اقدامات ساختاری و پیگیر شکسته شود.

## یک خانواده متوسط شهری در ایران،

### سالانه صد هزار تومان کسری بودجه دارد

روزنامه رسالت در شماره چهارم اسفند ماه خود به نقل از گزارش اخیر بانک مرکزی درباره بودجه خانوارهای شهری نوشت یک خانواده متوسط شهرنشین در ایران در سال ۱۳۷۲ درآمد سالانه خالصی بالغ بر ۴۹۰ هزار تومان داشته، در حالی که در همان سال، متوسط مخارج یک خانواده، یعنی یک خانواده متوسط شهری در این سال صد هزار تومان کسری بودجه داشته است.

به دنبال انتشار این آمار، خبرنگار رویتر در تهران با مرکز آمار ایران تماس گرفت و خواهان موضعگیری درباره ارقام فوق شد. یک مقام دولتی در پاسخ به استوال رویتر گفته است مردم برای فرار از مالیات، درآمد خود را کمتر از آنچه هست اعلام می‌کنند! رویتر در گزارش خود متذکر می‌شود که بسیاری از ایرانیان به علت افزایش شدید قیمت‌ها ناگزیر از داشتن دو یا سه شغلند.

## نرخ تورم

### در مناطق روستایی

به ۴۸ درصد

### رسید

شاخص بهای خرده فروشی کالاها و خدمات مصرفی در مناطق روستایی کشور در نیم سال دوم سال ۷۳ به رقم ۴۸ درصد رسید. که بیشترین این افزایش مربوط به مواد غذایی است. در مناطق شهری نرخ تورم در بهمن ماه ۷۳ به ۴۵/۶ درصد رسید، که باز هم بیشترین افزایش بیامربوط به کالاها و خدمات اساسی و مواد خوراکی بود.

ارقام فوق داده‌های منابع دولتی است که با نرخ واقعی تورم تفاوت فاحش دارد. زمانیکه که منابع رسمی دولتی اعلام می‌کردند که نرخ تورم مثلاً ۱۶ درصد است، نرخ واقعی آن بالای ۵۰ درصد بود. و امروز که این رقم ۴۸ درصد اعلام می‌شود، میزان تورم بالای ۱۰۰ درصد است. یک نگاه به بهای ارزهای خارجی در حال حاضر و قیاس آن با نرخ‌های مشابه سال قبل، رقم واقعی تورم را نشان می‌دهد.

نرخ دلار آمریکا در بازار آزاد تهران اکنون حدود ۴۳۰ تومان است در حالیکه، سال قبل در همین روزها بهای دلار آمریکا حد اکثر ۲۲۰ تومان بود. هم اکنون با افزایش دو برابر نرخ مواد سوختی و نیز دیگر خدمات دولتی همچون نرخ تلفن و ... تورم به بالای ۱۰۰ درصد رسیده است.

## کرایه حمل و نقل تادو برابر افزایش یافت

چند برابر می‌شود، چگونه با کرایه‌های قبلی بسازیم. افزایش بهای حمل و نقل همانند دیگر کالاها و خدمات، محصول تورم مهار گسیخته‌ای است که مسبب اصلی آن خورد دولت و سیاست‌های آن است، اما روزنامه‌های وابسته به حکومت تلاش دارند اذهان عمومی را از ریشه‌های اصلی گرانی سرسام آور کرایه و حمل و نقل منحرف سازند.

یافته است. بعنوان مثال قیمت فروش روغن ترمز فومن ۲۵۰ گرمی از ۱۸۰۰ ریال در سال ۷۳ به ۶۸۰۰ ریال در حال حاضر رسیده، یا قیمت فروش هر دستگاه دیسک و صفحه کلاچ پیکان ظرف یک ماه گذشته از ۱۶۰ هزار ریال به ۴۴۰ هزار ریال افزایش یافته است. یک تاکسیران تهرانی می‌گوید: وقتی قیمت لاستیک از ۱۰ هزار تومان به ۳۰ هزار تومان افزایش می‌یابد و تعمیرات موتور

افزایش دو برابر بهای بنزین و سایر مواد سوختی که از آغاز امسال از سوی دولت به اجرا گذاشته شد، موجب افزایش بهای بسیاری از کالاها و بیش از همه کرایه حمل و نقل در تهران و دیگر شهرها شده است. کرایه تاکسی و مینی‌بوس‌های بین شهری تا صد درصد بالا رفته است. بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های دولت و اتحادیه تاکسیرانی مبنی بر ممنوعیت افزایش کرایه حمل و نقل تاکنون تأثیری بجای نگذاشته است، و با توجه به ضعف اساسی شبکه حمل و نقل عمومی در تهران و دیگر شهرهای بزرگ کشور، افزایش تادو برابر کرایه حمل و نقل فشار سنگینی دیگری را بر مردم وارد می‌آورد.

مشولین اتحادیه تاکسیرانی تهران می‌گویند سهم هزینه سوخت در حمل و نقل حدود ۵۰ درصد است. بنابراین تاکسیرانان مجازند فقط ۱۰ درصد نرخ کرایه را بالا ببرند. اما تاکسیداران می‌گویند تنها بهای سوخت نیست که افزایش یافته است، بهای لوازم یدکی و هزینه سرویس خودروها نیز بشدت افزایش



## مشکلات اقتصادی منجر به تعطیلی

### کارخانه کاوه فولاد ساوه شد

افزایش شدید قیمت مواد اولیه فولاد خارجی، مشکل نقدینگی و عدم توان کارخانه در بازپرداخت مطالبات سازمان تامین اجتماعی منجر به تعطیلی این واحد تولید شد.

مشکلات مالی از تولید بازمانده است. این واحد یکسال پیش به بهره‌برداری رسیده بود. مدیر امور مالی و اداری کارخانه کاوه فولاد در باره مشکلات این واحد می‌گوید:

کارخانه کاوه فولاد در شهر ساوه که تولیدکننده شیربکس‌های صنعتی و قطعات آهنگری است و با سرمایه حدود ۷ میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال احداث گردیده، بدلیل

## آیا معیار تنها توسعه است؟

مقدمه و ترجمه ع. بهار

ریست تضمین کننده موفقیت‌های اقتصادیست، در حال پیشرفت است. برزرون می‌گوید: چیزی را که در گذشته اهمیت چندانی نداشت امروزه بصورت یک ضرورت اجتناب ناپذیر پردرآمده است. در واقع این محاسبات اقتصاد است که اهرم‌های واقعی سیاست حفظ محیط زیست را بحرکت در آورده و به صنایع بازسازی و پیشگیری میدان میدهد. در گذشته حفظ محیط زیست شامل بخشی از کمک‌های کشورهای ثروتمند بوده که اغلب با رفتار سیاسی مناسب کشورهای گیرنده گره خورده بود. فقدان آمادگی کشورهای کمک دهنده جهت صادر کردن صنعت حفظ محیط زیست باعث شد تا این کمک‌ها به شکلی اسفناک شکست بخورند. قاره آسیای شرقی در حفاظت از محیط زیست راه‌آشوبه‌های خاص خود بکار ببندد وضعیت مورد نیاز در این عرصه را بدست آورد و آنها را با احتیاجات منطقه‌ای هماهنگ کند.

صنایع حفظ محیط زیست اروپا و بیش از همه آلمان از شهرت بسزایی برخوردار هستند که البته دارای رقبای سرسختی مثل ژاپن و امریکانیز میباشند. و اینجاست که برزرون به نفع اقتصاد اروپا وساطت میکند. سیاست حفظ محیط زیست برای تجارت؟ برزرون می‌گوید: "این تهاراه چاره برای دولتهای این کشورهاست که امکانات کافی در اختیار نداشته و در نتیجه نمیتوانند کاری انجام بدهند. حفظ محیط زیست در واقع روزبه روز به یکی از وظایف بخش خصوصی تبدیل میشود.

حدود ۲۰ هزار شرکت اروپایی و هزار شرکت آسیایی در عرصه حفظ محیط زیست مخاطبین انستیتی محیط زیست (RIET) هستند و هدف این انستیتو نیز صد هزار کارخانه و شرکتی است که مسبب آلودگی محیط زیست در این منطقه میباشند.

برنامه‌های تهیه شده توسط پکن برای استفاده از منابع طبیعی، نشان دهنده مصرف ۱۴ میلیارد تن ذغال سنگ در سال است. سناریوی نظیر این هم از طرف هندوستان تهیه شده است. سازمان بهداشت جهانی (WHO) حساب کرده است که این دو کشور در سال ۲۰۱۰ بیش از همه کشورهای صنعتی مواد آلوده و سمی در هوا پراکنده خواهند کرد و بدین ترتیب هندوستان و چین مسئول آلودگی یک چهارم هوای جهان خواهند بود.

زمانی طولانی مشولین اقتصادی و سرمایه داران آسیایی سعی‌شان بر این بود تا بدیگران بقبولانند که ناپودی محیط زیست تنها مشکل کشورهای ثروتمند میباشد. فیلیپ برزرون معتقد است که در این میانه تغییرات رادیکالی در این سیاست بچشم میخورند. وزیران محیط زیست آسیایی شروع کرده‌اند تا پیرامون ابعاد فاجعه آمیز محیط زیست صحبت کرده و هزینه‌های اقتصادی که بهمراه خواهد داشت را حساب کنند.

سازمان بهداشت جهانی مخارج بازسازی محیط زیست کشورهای جنوب شرقی آسیا را در حال حاضر ۸۰۰ میلیارد مارک برآورد کرده است. آگاهی زیستبوم در منطقه با توجه به این مسئله که مدیران بهتر در عرصه حفظ محیط

مشابهی راه می‌توان در کشورهای کره جنوبی، تایوان، هنگ کنگ، سنگاپور، مالزی، تایلند و اندونزی مشاهده کرد. هندوستان و ویتنام هم همین راه را در پیش گرفته‌اند. فیلیپ برزرون متخصص محیط زیست فرانسوی و مدیر انستیتیوی اروپایی برای صنعت محیط زیست (RIET) که مقر آن در سنگاپور میباشد، می‌گوید: "بهر حال امروزه خط و مرز آن معجزه اقتصادی ترسیم میشوند." سرمایه گذاری‌های هنگفتی در بخش‌های کلیدی اقتصاد ضروریست تا بتوان از خرابی‌های غیر قابل جبرانی که میتوانند مانع رشد این منطقه بشوند، جلوگیری کرد. بانک توسعه آسیایی هزینه اینکار را تا سال دوازده میلیارد دلار حساب کرده است. یکی از عواملی که میتواند سیر موفقیت را تضعیف کند محیط زیست است. رشد اقتصادی کشورهای این منطقه به قیمت ناپودی منابع طبیعی‌شان صورت میگیرد و این منابع طبیعی کشورهای منطقه هستند که بهای رشد اقتصادی‌شان را میپردازند و چنین چیزی برای درازمدت غیر قابل تحمل است.

شهرهایی مثل بانکوک، مانیلا یا بمبی نمونه‌های وحشتناک یک سیاست از کنترل خارج شده برای وسایل نقلیه میباشند. مسافران تا بوسه‌دارانند و نری برای حفظ سلامتی خود در مقابل دود ماشینها از ماسک استفاده می‌کنند. مه غلیظ اسیدی شهرهای شمال چین را در بر گرفته است. استعمار فوق العاده منابع طبیعی برای تامین رشد و توسعه آسیا در آینده بر نگرانی

زمینه استفاده کرده و پیامند‌های چگونه بر طرف کردن اینگونه مشکلات هم آشنا بشویم. سازمانها و احزاب مترقی و پیشرو باید سعی نمایند تا توجه و آگاهی اعضا و هواداران خود بوجه موازات آن توده مردم رانسیست به ضرورت ارزش گذاشتن به محیط زیست را ارتقا داده تا آنجا تیکه پاسداری از محیط زیست تبدیل به یک وظیفه و مسئولیت عمومی گردد.

تجربه‌های آسیایی به ما نشان میدهد که بهترین پیش شرط برای برخورد اروپا و دیگر رشد اقتصادی باید در درجه اول مستلزم برخورد اروپا و دیگر زیستبوم زنده و سالم میباشد.

ترجمه گزارش خیلی کوتاه اما بسیار گویای زیر بنای اهمیت این مسئله و وظیفه خطیری که در قبال کشورمان و کره زمین در حال حاضر و بقول در آستانه سال دوهزار بردوش تک تک ماست، میباشد.

از دوده پیش به اینطرف رشد اقتصادی کشورهای آسیای جنوب شرقی بین پنج تا ده درصد بوده و صحبت از یک نیروی جدید در اقتصاد جهانی میباشد. جمعیت جمهوری خلق چین تقریباً چهار برابر بیشتر از اتحادیه اروپا (بیش از یک میلیارد) بوده و تولید ناخالص سرانه در این کشور یک دهم اتحادیه اروپاست. اما رشد اقتصادی چین سه برابر سریعتر از این اتحادیه است. اگر این رشد به همین ترتیب پیش برود چین خواهد توانست در هشت سال آینده تولید ناخالص خود را به اندازه اتحادیه اروپا برساند. روند

چند سالیست که بحث داغی پیرامون توسعه و رشد اقتصادی ایران در داخل و خارج از کشور در جریان است. در اکثریت قریب به اتفاق این بحثها، مقالات و برنامه‌ها تنها شاخصهای توسعه مورد بحث و بررسی قرار گرفته اند و معمولاً هم بطور مستقیم و یا غیر مستقیم از کشورهای جنوب شرقی آسیا (بیرهای آسیایی) بعنوان نمونه های موفق در این عرصه نام برده بدون آنکه نگاهی هم به آنوری سکه انداخته و فجایی را که معجزه اقتصادی این کشورها در عرصه زیستبوم (اکولوژیک) به همراه داشته اند مورد توجه قرار دهند.

رشد و توسعه اقتصادی و در نتیجه تولید ثروت و رفاه عمومی برای کشور ما البته یک ضرورت انکارناپذیر است. اما اگر این رفاه با رفاه زیستبوم همراه نباشد از تداوم برخورد اروپا و دیگر رشد اقتصادی آنی و منافع نسلیهای آینده را در معرض تهدید قرار خواهد داد که در آن صورت تنها با صرف هزینه های سرسام آور-آلبته اگر دیر نشده باشد- میتوان جلوی نابودی محیط زیست را گرفت و آنرا بازسازی نمود.

برای همه روشن است که یکی از مشکلات مهم عوم بشری همانا بر هم خوردن تعادل بین انسان و طبیعت، به خاطر استعمار بی وقفه طبیعت در خدمت سرد آوری و مصرف گرای بی‌درون مرز میباشد. ۹۹ درصد جاندارانی که روزی بروی این کره زیست میکرده اند محو و نابود شده اند و در حال حاضر هم هر روز تعداد زیادی از انواع مختلف حیوانات و گیاهان نسلشان یکبار برای همیشه بخاطر رفتار انسان از روی کره زمین محو میشود.

برهم زدن ساختار طبیعت، که در عرض میلیونها سال شکل گرفته، اگر همچنان ادامه یابد باعث بازهم بیشتر شدن عدم تعادل بین انسان و طبیعت که حاصلش هم چنین بیماری‌های گونه گون بیشتر، مرگ زودرس و

در نهایت تهدید پایا به های هستی بر روی کره ماست خواهد بود. همه و بخصوص آنها تیکه دست اندر کار طرح های توسعه برای ایران هستند موظفند تا در کنار رشد و عدالت اجتماعی به محیط زیست هم توجه کافی کرده و از تجارب تلخ همان کشورهای نمونه استفاده نموده و تنها آن شکل از توسعه و رشد را تبلیغ نمایند که در بر گیرنده شیوهای تولید با ضایعات و فضولات کمتر و محافظ تعادل بین انسان و طبیعت است.

اگر ما عمیقاً به اهمیت این مسئله پی برده باشیم و نخواهیم از اصطلاح حفظ محیط زیست تنها برای زینت بخشیدن به برنامه هایمان استفاده کنیم ملزم هستیم تا خود را به این علم مجهز کرده (باید یاد آوری شود که حفظ محیط زیست در این سالها به یک رشته علمی و صنعتی خاص خود تبدیل شده است) و در برنامه هایمان اهرمهای مناسب اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را جهت رشد و توسعه در کنار رفاه و سلامت زیستبوم کشور ارائه دهیم. با توجه به این مسئله که، کشور ما در حال حاضر گرچه نصیبی از رشد و توسعه نبرده دچار مشکلات عدیده ای در این عرصه میباشد و اگر ما همین حالا احساسیت کافی جهت پاسداری از محیط زیست نشان ندهیم سر نوشتی غم انگیز تر از بیرهای آسیایی نصیبمان خواهد شد.

گذشته از آن اشاره به مشکلاتی از این دست در کشورمان پهنایی کافی نبوده و ما میبایستی که سعی نماییم تا از تجربه دیگران در این

# چيست درد فراگیر؟

نگاهی بر نقد میرزا آقا عسگری، مندرج در نشریه سیمیرغ شماره ۵۶، برد و کتاب شعر رضا مقصدی

مازیار کاکوان

تعریف "مرصاد العباد": خلاصه نفس انسان دل است و دل آینه است و هر دو جهان غلاف آن. در غزلیات فارسی و نیز ترانه های عامیانه، دل بکرات مورد خطاب قرار می گیرد. انگار موجودی مستقل و مستقر است. همه کاری از او بر می آید: آتش به هردو عالم می زند، آدمی را به حرمان می کشد، اسیر می کند، رهائی می بخشد، به معراج می پرد و... حافظ می گوید: "ای دل حدیث ما بردلدار ما بگو" یا "سالمه دل طلب جام جم از ما می کرد / آنچه خود داشت زبیکانه تمنای می کرد" دل که جای خود دارد. در زمان پیرمرد و دریا می بیند، ماهیگیر، با دست چپ از رمل افتاده اش درد دل می کند. چرا هنرمند مجاز نیست با دل و دیده دست، چنین کند؟

تفسیر آقای عسگری از شعرهای "بارانی دیگر"، "صاعقه و بهار من"، نه تفسیری کارشناسانه و واجد ارزش ادبی، که نوعی دهرن کیجی و مزه پرانی به شیوه ستون انگولک جراید است. در تفسیر این شعر که: "روی طناب رخت / بوی گلی ز پیرهنش مانده است"، می نویسد: "یعنی پیرهن معشوقه گلداری بوده و اکنون فقط بوی یکی از آن گلها بر طناب مانده. حالا چطور این بوی روی طناب مانده معلوم نیست!" (!!) یا وقتی شاعر می گوید: "کدام قسمت این آسمان نصیب منست؟"، می نویسد: "مگر آسمان های دیگری هم وجود دارند؟ نام آنها هم می گذارد: پرسی سماوی (!) و نتیجه می گیرد که شاعر سرش گیج می رود و نمی داند کدام قسمت این آسمان نصیب اوست!" در تفسیر این شعر که "نه سبب ادا هم در صفحه ۱۱"

سازد. او شاعر را با کوله بارش از رودخانه لجن می گذراند تا "آلودگی" اش را انگشت نما کند. بر آبگینه شعر، او تنها لکه ها را می جوید، بی آنکه بخواهد و یا حجاب غرض بگذارد، خود شیشه را نیز ببیند و بر آن مکث کند. و شگفت آورتر آنکه "منتقد"، که خود سخنوری صاحب قریحه است، در سنجش عبارات شعر دیگران، گویی وجودش یکسر از احساس و درک شعر منتزع می شود، تا بدانجا که بخود اجازه می دهد بیکر زنده شعر را سبکسارانه منته کند و بر چهره مسخ شده اش پوزخند زند. بدین سیاق می توان از سرو کاشمر نیز هیمنه ساخت و آنگاه "رعنائی و خرمی" اش را به ریشخند گرفت.

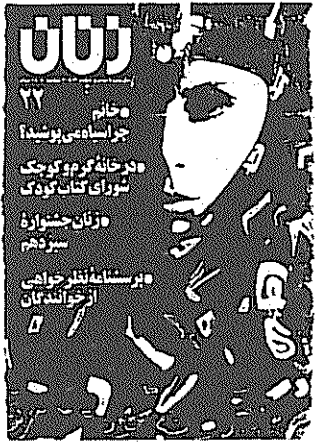
در "نقد" آقای عسگری، نکاتی مطرح می شود - که بمنابۀ باور شاعر شناخته شده ای چون او - مضحک و سوال انگیز است. ایشان می نویسند: "در شعر "بهار من"، شاعر (آقای مقصدی) ازدل عاشقش که انگار یک موجود جداگانه از خود اوست، می خواهد که او را "به عطر عاطفه سبب" و "آبی رخسار یک ترانه" ببرد!" به تعبیر آقای عسگری، شاعر مجاز نیست دل را که جزئی از وجود آدمی است، چون موجودی متمایز و مجزا، مخاطب قرار دهد. (نگذریم از اینکه عبارت "یک موجود جداگانه جدا از خود اوست" بلحاظ دستوری غلط و جدا از خود اوست، درست است.) (۱). دل، نه بلحاظ فیزیولوژی، بلکه به اعتبار تلقی ای که از آن بمنابۀ خاستگاه احساس، عاطفه و عشق، در فرهنگ و آداب و وجود دارد، شاخص است و هویتی ممتاز دارد. در ادبیات عرفانی ما به

احلال در "اصلت" شعر فارسی و اقدام برای "اضمحلال" آن، باطل جلوه داد. بسیاری از شاعران بزرگ نیز با نشر سیاه مشق های خود یا به پهنه فعالیت ادبی گذاشتند. طبق نسخه ای که آقای عسگری می بچد، هیچکس نباید از صفر شروع کند. یا حداکثر، تنها شمار معدودی مجازند صاحب کتاب و رساله باشند، و گرنه دنیا بر خواص تنگ می شود.

درد فراگیر در تعدد و حتی تکرار سیاه مشق هائ نیست. در عرصه شعر فارسی نیز همانند دیگر هنرها، کیفیت، عیار اصلت است نه مقدار. خرف، بازار لعل را نشکسته است که جای تغابن باشد. بنظر می رسد که احساس "غبن" آقای عسگری باید آیشخوری جز "اضمحلال" اصلت شعر فارسی داشته باشد. درد کجاست؟ مسأله چیست؟ به گواهی آنچه که خود ایشان در "نقد" کتاب های شعر آقای رضا مقصدی نوشته اند، می توان انگیزه ای این "تغابن" را دریافت. گویا کیفیت بازتاب انتشار و کتاب شعر "نفس نازک نیلوفر" و "کسی میان علف ها" دو فصل منتظر است، در برخی نشریات فارسی زبان داخل و خارج کشور، خوشایند طبع آقای عسگری نبوده و این بد آیند، دستمایه "نقد" تخطئه آمیزی علیه آن سراینده و سروده هایش شده است. آقای عسگری در "نقد" خود، "آشفته بازاری" را ترسیم می کند که سکه های رایج آن، گویا: "چون زدگی"، "هذیان گویی" و "هجو سرانی" است. آنگاه شاعر مورد "نقد" خود را در چارسوی این بازار می نشاند تا ریشخند رهگذران

چيست درد فراگیر؟ نشریه کتابهای شعر یا فقدان روحیه سالم نقد؟ به زعم آقای عسگری (مانی)، آید می انتشار مجموعه های شعر شاعران پر نومرزی، شاخص فساد ادبی دامنگیری است، که اصلت شعر فارسی را در "خطر اضمحلال" قرار داده است. او با کشف تصادفی ابعاد این "فاجعه"، در مقام ممیز "اصلت شعر" و موکل آب فرات، وظیفه خود دانسته است که مروجان این "فساد" دامنگیر را به تیغ "نقد" بر جای خود بنشانند و مزرع سبز شعر فارسی را از "هجوم" ملخ و آرابی مایگی و بی ریشگی "حفظ" کند.

اگر اصلت شعر فارسی یا انتشار پنجاه یا صد دفتر شعر شاعران مهاجر، در خطر اضمحلال افتد، باید به این "اعتبار و اصلت"، شک کرد. اما این اعتبار هزار ساله را نه کتابسوزی های فرهنگ ستیزان و نه کتاب سازی های فضل فروشان، نتوانست مضمحل کند. حتی اگر محتوای اکثر کتابهای شعر شاعران پر نومرزی، به زعم آقای عسگری، آکنده از "سطحیات و مزخرفات" باشد و به ضرب سرمایه ناشران سود جو و سرمایه شخصی شاعران شهرت طلب، هزار بار هم چاپ شود، باز اصلت شعر فارسی بر جای خواهد ماند و مانند گاری اش را نیز، نیاز به متولی نیست. احساس مسئولیت نسبت به حفظ اصلت شعر فارسی، هیچ حقی برای کسی بعنوان ممیز نشر کتاب و کمیت انتشار آن، ایجاد نمی کند. انتشار مجموعه های شعری و نقد آن - قطع نظر از درجه ارزش ادبی آنها - حق بدیهی هر شاعر و نویسنده ایست. این حق را نباید با اتهاماتی چون "اشاعه" "فساد ادبی"،



درب خورده با زنان و نقض حقوق زنان در قوانین مدنی نیز از دیگر بخش های اصلی هر شماره نشریه زنان است. از سرمقاله هایی که نگاه مدیر مسئول زنان در این نشریه می نویسد به خوبی پیداست که این جریده نیز همچون همه نشریه های مستقل و شاید بخاطر طرح مسائل زنان در ابعاد گسترده تر - زیر فشارهای مختلفی است که از جمله آنها قطع سهمیه کاغذ این نشریه از سوی وزارت ارشاد بخاطر طرح مقالات ناهمخوان با مواضع ارزشهای سردمداران حکومت اسلامی است. این فشار تداوم حیات زنان را با مشکلات متعددی مواجه ساخته که طولانی شدن توالی انتشار آن از جمله آنهاست. زنان را در تاریخ مطبوعات ایران باید نشریه ای به حساب آورد که به لحاظ پرداختن تمام و کمال به مسائل زنان و دفاع پیگیرانه از حقوق آنها و نیز بخاطر مباحث و موضوعات بکر و حادی که مطرح می کند کمتر نمونه نظیری دارد و خواندن مطالب آن نه تنها برای زنان، بلکه بویژه برای مردان پربنی فایده نیست. آدرس نشریه زنان از این قرار است: تهران - صندوق پستی ۱۵۸۷۵۰۵۵۶۳

ممکنست که انسانی زیر غلظت ماشین جاده صاف کنی پرورد او را به صورت مقوای تخت دریا بد و سپس دوباره به صورت انسان در آید؟ اگر این جریان را با چشم خود ندیده بود می توانست در صحت آن شک کند و یا به راوی خبر مشکوک شود. ولی او خود شاهد آن بوده است و جمالی زاده از تناقض بین آنچه دیده است و آنچه که به تجربه می داند در واقعیت اتفاق می افتد و چارکتور بحران درونی و فلسفی و یا به قول منتقد - پاسا ساختار گرای هندی - اسپریکایی، خانم گیاتری اسپیراکا، دستخوش یک نوع "خشونت ارزشی و معرفتی" می شود (۱۳). به همین جهت نزدان دوان و هراسان به سوی خانه می رود تا آنچه را که دیده است برای پدر و مادرش شرح دهد و برای آنها سوگند یاد کند که آن را به چشم خود ندیده است و از آنجا که در سفرنامه اش از بیان حالات کلی خود احتراز می کند. به طور مسلم هم جمالی زاده هم مظفرالدین شاه هم از این واقعه و گزارشش و فیلم های حقه ای و داستانی اولیه را دیده بودند اما جالب است که مظفرالدین شاه بیشتر از فیلم های مستند و گزارشی نام می برد و جمالی زاده از فیلم های حقه ای که آن روزها رسم بودند. جمالی زاده ۱۲ ساله از قابلیت فیلم بردن در واقعیت و بهم ریختن قوانین فیزیکی آن - هم به خاطر صامت بودن فیلم و هم به علت حقه های سینمایی که اواز آنها بی خبر بود - نه تنها حیرت می کند بلکه به هراس می افتد. دیدن ای نوع فیلم، اعتماد جمالی زاده را نسبت به پایداری و ثبات واقعیت و نسبت به صحت آنچه که انسان به چشم می بیند متزلزل می کند. چگونه

می افزایش امکان سفر به سرزمین های دیگر و دیدن شگفتی های طبیعی و آداب و رسوم متفاوت و عجیب و غریب دیگران است بدون اینکه لازم باشد تماشا گرازندلی (یا نیمکت) خود برخیزد. چهارمین سبب حیرت و لذت، قابلیت فیلم در انتخاب ربودن صحنه هایی از واقعیت عادی و ضبط آنها به صورتی است که این صحنه های عادی ناگهان حاوی معانی و زیبایی های بیشتر و عمیق تری می شوند. مظفرالدین شاه از این دیدن باران، جریان آب در رودخانه و بازی افراد در آب سخن می گوید. معترضی نیز از دیدن پدیده های گذرا چون دود سیگار و قطرات آب جهنده صحبت می کند. واکنش جمال زاده از آنچه بر پرده می بیند شدید تر از هر دو اینهاست - خصوصاً شدید تر از مظفرالدین شاه که به طور کلی در سفرنامه اش از بیان حالات درونی خود احتراز می کند. به طور مسلم هم جمالی زاده هم مظفرالدین شاه هم از این واقعه و گزارشش و فیلم های حقه ای و داستانی اولیه را دیده بودند اما جالب است که مظفرالدین شاه بیشتر از فیلم های مستند و گزارشی نام می برد و جمالی زاده از فیلم های حقه ای که آن روزها رسم بودند. جمالی زاده ۱۲ ساله از قابلیت فیلم بردن در واقعیت و بهم ریختن قوانین فیزیکی آن - هم به خاطر صامت بودن فیلم و هم به علت حقه های سینمایی که اواز آنها بی خبر بود - نه تنها حیرت می کند بلکه به هراس می افتد. دیدن ای نوع فیلم، اعتماد جمالی زاده را نسبت به پایداری و ثبات واقعیت و نسبت به صحت آنچه که انسان به چشم می بیند متزلزل می کند. چگونه

## در پیوند با صد سالگی سینما

حمید نفیسی  
قسمت سوم  
موضوع مهم نظری به شمار می رفت و کسانی چون آندره بازن تصویر فیلم شده را یک صورتک، قالب، یا یک اثر انگشت از واقعیت به حساب می آوردند (۱۰). زبیر فید کرا کاور نیز قابلیت فیلم را در باز آفرینی عینی و واقعیت نوعی نجات بخشی واقعیت در دنیا صنعتی شده و مدرن جدید می دید (۱۱). اصرار صحافیایی که در چند جمله کوتاه دوباره مسئله باز آفرینی فیلم از واقعیت عینی را مطرح می کند شاید به این علت باشد که واقعیت ایرانی در عصر او دستخوش تحولات آنقدر شگرفی شده بود که تنها جایی که می توانست آن واقعیت را نجات دهد، تیت و به قول کرا کاور "نجات بخشند همان روی نوار سلولر بود. بدین ترتیب واقعیت فیلم شده بکنوع احساس آرامش و ثبات در تماشاگر مضطرب بوجود آورد. سومین سبب حیرت تماشاگر ایرانی از سینمای اولیه را باید در نوع رابطه تماشاگر با پرده سینما جستجو کرد که تماشاگر را به طور کلی در حالت "نظاره دزدکی" (به اصطلاح: استراق بصر) قرار می دهد چونکه وی از برای پنجره ای (پرده سینما) شاهد اعمال افرادی است که خود آنها ظاهراً به حضور تماشاگر آگاه نیستند. این دزدکی بردن از سینماست (۱۲). عامل دیگر که به لذت و حیرت از سینما

روشن بود و خوب دیده می شد. اولین بار بود که من چشم به سینما می افتاد و غرق حیرت و مات شده بودم که می دیدم آدمها روی دیوار مقابل در یک مربع دودرغ و نیم در ساکت بودند. خیابانی را نشان می داد که مردی با چرخ و ماشین بسیار سنگین و بزرگ داشت خیابان را درست می کرد. ناگهان یک نفر عابراً از زیر چرخ یا غلظت ماشین و وقتی چرخ رد شد آن آدم به صورت آدم مقوایی بدین صورت (نقاشی خطی از آدم مقوایی پهن شده بر زمین) درآمد. ناگهان یک نفر آدم دیگر با تیشه و تبر دست رسید و این آدم مقوایی را بلند کرد و با تیشه و تبر دوباره او را به صورت آدم متحرک در آورد. ضمناً من دیدم که آب هم در جوی خیابان جاری است و آبی هم حرکت می کرد و روی پهنه تماشا بیشتر از ۱۵ الی ۲۰ دقیقه طول نکشید و همان آقا سید آمد و خیر داد که مجلس تمام شد و من بیرون رفتم و دوان دوان خودم را به منزل مان که دور بود (در محله سید ناصرالدین که در زمان رضا شاه بنام خیابان خیام درآمد) نفس نفس زنان رساندم و به پدرم که در خانه بود و به مادرم داستان آنچه را به چشم خود دیده بودم و قسم می خوردم که کاملاً راست است حکایت کردم. مادرم تعجب می کرد و پدرم لبخند بر لب داشت و خالی از تعجب نبود و سعی داشت به طوری خاطر مرا راحت کند: با دستهای خود در جلونور چراغ سایه به دیوار اطاق انداخت و برایم شرح داد که لابد چنین بوده است. از این متون که بیانگر واکنش ایرانیان نسبت به سینما در اولین

سومین متن به محمد علی جمالزاده اختصاص داده شده که طی مراسلات متعددی بین سالهای ۱۹۸۴ و ۱۹۸۷ خاطرات خود را در حدود سینما برای من نقل کرد. جمالزاده سه خاطره از فیلم دیدن خودش را برای من تعریف کرد. از اولین خاطره او که در زیر نقل می شود چنین بر می آید که او اول بار در سن ۱۲ سالگی فیلم را در سینمای چراغ گاز ابراهیم خان صحافیایی دیده است: اولین بار در ابتدای خیابان برق که کارخانه گاز حاج حسین آقا امین الضرب در آنجا بنا شده بود فیلم دیدم. وقتی از میدان توپخانه وارد خیابان برق می شدیم در همان اول خیابان، دست راست قهوه خانه معروفی در بالا خانه بود و در زیر آن دکانی بود خالی و من دیدم که در دکان باز است و در آن گرد و خاک، میز و صندلی گذاشته اند و یک نفر سید با عمامه که می شناختم و اصفهانی بود و سیف الذاکرین لقب داشت روی صندلی پشت میز نشسته است و در بالای دکان تابلویی کوبیده اند و روی آن کلمه "سینما" یا خط درشت نوشته شده بود. و رویدید دو قران بود و من دو قران داشتم و دادم یک بلیط به من داد و خودش هم مرا به داخل سینما راهنمایی کرد (گویا با چراغی بدست چون داخل مغازه و فضای پشت مغازه که سینما بود و نیمکت های چوبی در آن چیده بودند و در آخر آن پرده سینما بود کاملاً غرق در تاریکی بود و حتی یک چراغ هم نداشت). تماشا چیزها زیاد نبودند. بعد از ظهر بود و مردم کاسیکار در دکانهای خود مشغول بودند و در تاریکی چشم چشم رانمی دید. آن آقا سید مراد راجایی نشاند و خودش رفت. پرده سینما



## اول ماه مه، روز کار، رزم و میخک سرخ



اول ماه مه جشن کار است. هر ساله نیروهای زحمت و داد در سراسر جهان به پیشواز اول ماه مه می‌شایند و این روز را گرامی می‌دارند و جشن می‌گیرند. در بسیاری از نقاط جهان، اول ماه مه را رسماً روز جهانی کار و کارگر خوانده‌اند و این روز از تعطیلات رسمی است.

چون تمامی روزها و جشن‌های زحمتکشان و دادپرستان، این روز نیز توأم با یاد کسانی است که در بیش از یک سده رزم کارگران علیه ستم و برای برابری و حقوق حقه‌شان زیر پرچم مه‌جان بر سر پیمان نهاده و خون سرخشان را بر پرچم ارغوانی مه افزوده‌اند.



از آن روزی که آلبرت پارسونز، آگوست اسپایز، جرج انگل و آدولف فیشر به عنوان نخستین قربانیان جنبش کار، جنبش اول مه به حکم بیداد گاه‌های سرمایه محکوم به مرگ شدند بیش از یک قرن می‌گذرد، قریبی که برگ برگ آن با مبارزه و قهرمانی بی‌شمار همراه است. صدونه سال پیش در سال ۱۸۸۶، کارگران شیکاگو در "های مارکت" این شهر گرد آمدند و مسالمت جویانه خواهان ۸ ساعت کار در روز شدند. و از آن روزها در سایه نبرد یکپارچه کارگران و نیروهای مترقی جنبش کار، پیروزی‌های بسیاری دست آمده است. با این حال در بسیاری از کشورهای دنیا هنوز کارگران از ابتدایی‌ترین حقوق خود محرومند و صدها هزار کودک حتی چهار ساله در گرگ و میش صبح بر سکوی کار چشمان خواب‌آلود خود را بر دنیای رنج می‌گشایند و تنها پاسی از شب گذشته، دیدگان خسته‌شان را در حسرت می‌آسایش بر روی همان سکوبرهم می‌نهند.

در ایران نیز دهه‌هاست که اول ماه مه جشن گرفته می‌شود. نخستین برگزاری علنی و وسیع مه در ایران به سال ۱۳۰۱ بر می‌گردد. مستبدین

بود، جنبش کارگری در ایران نضجی گرفت. مبین ما شاهد سه دور بزرگداشت وسیع جشن مه، جشن کار بود. در سال ۱۳۶۰ فدائیان بزرگترین گردمانی اول ماه مه را با حضور ده‌ها هزار ایرانی برپا داشتند. این بزرگترین جشن اول مه مورد هجوم وحشیانه حکومتیان و عمال آنان قرار گرفت. در جریان حمله به متینگ جشن کار در سال ۱۳۶۰، دو تن از جمله نوکل فدائی میترا صانعی در نتیجه انفجار نارنجک در میان صفوف حاضرین، جان باختند. صد هاتن زخمی شدند و مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

از آن پس و همراه با تشدید استبداد در ایران، امکان برگزاری آزادانه جشنهای اول ماه مه از میان رفت و کارگران همواره مجبور شده‌اند، روز کارگر را در زیر تیغ استبداد گرامی دارند. اما استبداد و اختناق هرگز نتوانسته‌اند نه گرد از مضمون رزم جویانه و عدالت خواهانه خود خالی کنند.

اول ماه مه در قلب هر انسان زحمتکش و آزادی خواه زنده است و این است راز جاودانگی روز جهانی کارگر.

پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر

## اول ماه مه، روز جهانی کارگر گرامی باد!

کیسه‌های عده‌ای معدود و فقیر فزاینده توده مردم بوده است و امروز وقتی این "ولی نعمتان کوخ نشین" برای حل حتی ابتدایی‌ترین مشکل، زبان به اعتراض می‌گشایند، دهانشان با گلوله‌های داغ ماموران مسلح دوخته می‌شود.

مصیبت در کشور ما تنها بحران فلج کننده اقتصادی و اجتماعی و وضع مشقت بازنندگی مردم نیست. نگرانی جدی آنست که چشم انداز فردا تیره تر از امروز است. مردم راهیج امیدی به گشایشی در وضع کنونی باقی نمانده است.

حکومت نه برنامه‌ای برای مهار بحران دارد و نه اساساً دیگر قادر است از پس چنین کاری برآید. در حال حاضر هم و غم عمده آنها دفاع از حریم قدرتشان، آنهم تنها به زور گلوله و سرنیزه است و گویی نمی‌فهمند عاقبت راهی که در پیش گرفته‌اند به کجا خواهد انجامید.

در مروج اعتراضی بحق مردم علیه وضع موجود که به اشکال مختلف اینچوا آنجا سر بر می‌آورد، کارگران ایران از موقعیت ویژه‌ای برخوردارند. آنان از بیش از هفت دهه تجربه مبارزه متشکل برای خواستهای صنفی و سیاسی برخوردارند. این تجربه امروز می‌تواند در خدمت مبارزات اعتراضی آنها برای جلوگیری از سقوط بیش از پیش سطح زندگی‌شان و در خدمت بیکار سیاسی ایران در راه عقب نشاندن استبداد قرار گیرد. تجربه انقلاب بهمن ۵۷ و مسیر حوادث پس از آن و دهها نمونه در کشورهای استبداد زده دیگر جهان نشان داده است که ما بین تلاش زحمتکشان برای بهبود شرایط کار و سطح زندگی‌شان و آزاد پهای سیاسی در جامعه ارتباط تنگاتنگ وجود دارد. در جایی که حق مشارکت واقعی در سرنوشت سیاسی از مردم سلب شده، مخالفان بشدت سرکوب می‌شوند و حق سئوال و بازخواست برای کسی نیست، مبارزه‌ی فقط صنفی برای بهبود شرایط زندگی، یا بی‌نتیجه بوده و یا اگر نتایج به همراه داشته، دوام دار نبوده است. از اینرو در شرایط امروز جامعه ما، تلاش برای جلوگیری از سقوط سطح زندگی کارگران و بهبود آن، بزمیان زیادی بستگی به حل مشکل سیاسی بزرگ کشور ما، یعنی غلبه بر استبداد دارد. گسترش مبارزه سیاسی برای تأمین آزادی‌های دموکراتیک و سیاسی و حقوق مدنی در ایران امروز، راهگشای ایجاد و تحکیم سندیکاها و اتحادیه‌های کاری و مبارزه برای بهبود شرایط زندگی و کار زحمتکشان کشورمان است.

در هر کجا که هستیم، اول ماه مه را جشن بگیریم. بزرگداشت روز کارگر، تجدید میثاق با آرمانهای انسانی و اهداف عدالتخواهانه و آزادی بخش اول ماه مه است. باید که این درفش مبارزه علیه استعمار، بی‌عدالتی و استبداد در اهتزاز نگاه داشته شود.

فرخنده یاد روز جهانی کارگر  
شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
اردیبهشت ۱۳۷۴

## فاصله طبقاتی بیشتر و بی‌پرده تر شده است

جواب دهید! در کشوری که بعد از جنگ می‌بایست به بازسازی و رفع مشکلات متولیان اصلی انقلاب بپردازد، خیل عظیم اتومبیل‌های چندین میلیونی چگونه وارد مملکت می‌شود؟ وجه کسانی و با چه پول باد آورده‌ای، آنها را می‌خرند؟ با سازها و مراکز تجاری سربه فلک کشیده در بهترین نقطه تهران و شهرهای عمده کشور چگونه به آسمان نوره می‌کشند؟ آیا سرب‌ها به خیابان‌های شمال شهر، خصوصاً خیابان شهید بهشتی، زده‌اید؟ این نمایشگاه‌های عظیم اتومبیل (که منحصراً اتومبیل‌های بالای ده میلیون تومانی را خرید و فروش می‌نمایند) چگونه ایجاد شده‌اند؟ اینهایی که می‌گویم فقط ذره‌ای از آن چیزی است که همه مردم در خیابان‌ها شاهد آنند. دیگر سفرهای مکرر به اروپا و آمریکا، زندگی در خانه‌ها یا در قصرهای آنچنانی و خرج‌های نجومی بمانند!

در کشوری که بیماری مستأصل بایستی دارویی را که حیات وی به آن بستگی دارد، از قاچاقچیان و باقیمتی سربه فلک کشیده تهیه نماید، در کشوری که از شیر خشک کودک شیرخواره دریغ می‌شود و برای تهیه یک قوطی آن می‌باید مبلغی تا ۱۰۰۰ تومان به دلال خیابانی پرداخت کرد (البته به گفته مسؤلان خدمتگزار! در درجه اول عده‌ای سودجو محتکرو بعد مشکلات ارزی باعث چنین کمبودهایی هستند. هفته نامه شما نیز به شکلی دیگر سعی در ربط مسایل به آنها دارد) این اتومبیل‌های آخرین مدل و هزار چیز لوکس خارجی (از خوراکی گرفته تا پوشاک) که فقط مخصوص از ما بهترین هستند، چگونه وارد میشوند؟ آیا برای آنها ریال پرداخت می‌شود؟ یا آن

متن زیر کوتاه شده‌ی نامه پدر یک بسیجی به هفته نامه "پیام دانشجوی بسیجی" است. این نامه به مسائلی اشاره دارد که از واقعیت جامعه ماست و همگان از آن مطلع‌اند، اما اهمیت آن در این است که از زبان پدر یک بسیجی است که سران حکومت خود را متکی به آنها و خادم آنها معرفی می‌کنند.

البتة بحرانی که در سال‌های اخیر دامنگیر دانشجویان، خصوصاً دانشجویان بسیجی، شده و دانشگاه‌ها به طور چشمگیر از صحنه سیاست دور شده‌اند و چرخش برخی سیاست‌ها از مستضعفان و مردمی که همه چیز خود را در راه به ثمر رسیدن انقلاب و جنگ تحمیلی از دست داده‌اند، و موج ناپسانمانی‌های اقتصادی و دزدی‌ها و رشوه‌گیری‌ها و اختلاس‌ها میان برخی مسئولان مملکتی، عملاً دانشجوی بسیجی را در قبال هزاران سؤال خلع سلاح کرده‌است. و فرض دوم ربه بقین نزدیکتری گرداند، حالا می‌بایست به نام دانشجوی بسیجی روزنامه منتشر کرد و دم از انتقاد زد تا آب رفته ربه جوی بازگرداند.

می‌گویید: چرا انتقاد؟ چون چیزی برای دفاع وجود ندارد. بگذارد بی‌پرده بگویم: کدام دولتی در جهان، خصوصاً جهان سوم، وجود دارد که دانشجوی سیاسی بخواهد؟ دانشجوی سیاسی مری دماغ دولت‌هاست. ولی مگر میشود گفت که دانشجوی سیاسی نباشد، آنهم در کشوری که مردم آن انقلاب کرده‌اند و از قضا، بخش عظیمی از شهدای آن در طول انقلاب و جنگ ده‌ساله تحمیلی از محصلان و دانشجویان تشکیل شده است؟ بله، دانشجو را در چنین کشوری می‌بایست سیاسی کرد، البتة در کانالی که از قبل طراحی شده و خطری از آن متوجه نباشد، چرا که اگر چنین شود، اتفاق دیگری می‌افتد.

اجازه بدهید دلیل این استدلال خود را از ایلا ی هفته نامه خودتان بیرون بکشیم. ضربه اصلی شما در تمام سطوره هفته نامه پیام، متوجه مشکلات اقتصادی است، آنهم به شکلی که هیچ پایه و اساس علمی و منطقی ندارد. گویی تعمدی در منحرف نمودن آذهان از ریشه اصلی مشکلات در آن است.

برادران، اگر کمی صداقت داشته باشید (که انشاء الله دارید) نمی‌توانید منکر این قضیه باشید که فاصله طبقاتی در میان فقیر و غنی به شدت افزایش یافته است. برادران، آنچه که اکنون مردم گرفتار آنند و این معضلات که در همه ابعاد زندگی به طور واضح به چشم می‌خورد، آنطور که شما در هفته نامه‌تان سعی در القای آن دارید، ناشی از دزدی و رشوه خواری و اختلاس عده‌ای منافق و وطن فروش و دین پرور داده نیست. آنچه که این فاصله طبقاتی و استیصال را برای مردم پیش آورده، حاصل سیاستی است همه جانبه که چهره خود را روز بروز آشکارتر می‌کند. خوب به خیابان‌ها نگاه کنید: در حالی که اکثر مردم برای گرفتن یک فوطی روغن نباتی خارجی و یک قالب کرفه‌ده کیلو برنج آمریکایی... در صف‌های کیلومتری وقت می‌گذرانند و توی سربیک دیگر می‌زنند، نوکیسه‌های بعد از انقلاب در اتومبیل‌های آخرین سیستم خود (که قیمت بعضی از آنها از پنجاه میلیون بیشتر است) به ریش منتظران در صف‌ها می‌خندند.

دلارهایی که نمیشود برای چیزهای اساسی‌تری خرج کرد؟ آقایان، خوب نگاه کنید، ببینید که چه بر سر کارخانه‌ها آمده! فقط دو نمونه مثال برای شما می‌زنم: دو کارخانه عمده تولید اتومبیل در ایران (ایران خودرو و سایپا) که آن همه از وابسته بودن آنها به خارج شکوه میشد و بر بنیان گذاران آن لعنت نفرین فرستاده می‌شد و هنوز می‌شود، به چه وضعی افتاده‌اند؟ هر دوه شرکت‌های وارد کننده اتومبیل مونتاژ تبدیل شده‌اند و به قول مسؤلی که در برنامه اقتصادی تلویزیون با وی مصاحبه شده بود، فقط یاد لاستیک‌های آنها محصول ایران است!

برادران، خوب باید به خاطر داشته باشید که در اوایل انقلاب و تا سال‌ها بعد، کسی جرأت سوار شدن به اتومبیل‌های به اصطلاح سوپر طاغوتی را نداشت. حالا چه شده است که اتومبیل‌های سوپر طاغوتی در خیابان‌ها موج می‌زنند؟ آنهم از نوعی که با قیمت یک دستگاه آن می‌توان ده خانه برای بی‌خانمان‌ها تهیه کرد؟ مگر این گفته گهربار را فراموش کرده‌اید که "کاخ‌های ساخته نمی‌شود، مگر آنکه کوخی بر سر بیچاره‌ای خراب شده باشد.

خوب توجه فرمایید، افزایش روزافزون فساد، رشوه خواری، رشد فزاینده بیکاری بنهان و آشکار، آمار منتشر نشده و تکان دهنده غلبه روحیه کاسب مآبی در مردم، پیدایش شغل‌های کاذب در حد و مقیاس وسیع، از جمله دلای کلا و ارز، کوپن فروشی و غیره... همه مولود بی‌عدالتی و عمیق تر شدن فاصله طبقاتی است.

## کلمه شهادت رنجبری

ابولقاسم لاهوتی

شهادت می‌دهم برایتکه من از ملت کارم نژاد ستمی و تخم رنج و نسل دوره زحمت به چیزی نیستم تابع بجز فرسوده زحمت بجز زحمت ندارم مدعی اینست اقرارم جواز پستان زحمت داد شرم مادردوران کنون یا نیتی روشن به حکم سلک و وجدان در اینجا قول مردی می‌دهم من کنم پیمان که تا در بازوانم زور هست و در تن من جان بگویم بهر آزادی صنف فعله و دهقان بچنگم بر علیه ظالمان و فرقه بایان نگردد تا جهان آزاد از ظلم بشریکسان از این مقصود عالی دست هرگز بر نمی‌دارم



# زندگی کارگران زیر فشار فقر

تجمع اعتراضی، توقف و اعتصاب کوتاه مدت بوده است. مطالبات کارگران عمدتاً حول محور خواسته های معیشتی (خواسته افزایش دستمزد به شکل مستقیم و یا در اشکالی همچون افزایش حق مسکن، اعطای وام مسکن، حق اولاد، حق بهره وری، عیدانه) و تامین امنیت شغلی بود. خواسته ها اگرچه صنفی بودند، اما کمتر حرکتی در کمتر کارخانه ای بود که شکل سیاسی نگیرد و پیامد آن سرکوب و دستگیری نباشد.

به دلیل هراس رژیم از بازتاب حرکات اعتراضی کارگران و اختناق پلیسی که بر کارخانجات حاکم است، اخبار اعتراضات کارگران به ندرت به بیرون از کارخانه درز کرد. گزارش اپوزیسیون و مطبوعات مستقل کارگری دیرتر و کمتر از آنچه که روی داد بود. برخی از حرکات اعتراضی که در نشریات اپوزیسیون بازتاب یافتند عبارت بودند: اعتصاب کارگران مولد الکترو لاکس ساوه، اعتصاب کارگران کارخانه های تولید ما کارونی و پوشاک در همدان (به دلیل کمبود دستمزدها)، تجمع اعتراضی رانندگان اتوبوسرانی شیراز (با خواسته پرداخت دستمزدها)، اعتراض کارگران و کارمندان منطقه ۱۲ شهرداری تهران (به خاطر دستمزدها)، اعتصاب ۱۱۰۰ کارگر سنگبری در استان اصفهان، اعتصاب کارگران شرکت حمل و نقل بستان (به دلیل کمبود دستمزدها)، توقف سه روز تولید و

اعتصاب کارگران کارخانه مهنایی سازی کرج (به دلیل اعتراض به اخراج کارگران)، اعتصاب کارگران کوره پزخانه های مرند (بر افزایش دستمزدها)، اعتصاب ۲۰۰ تن از کارگران کارخانه اتمسفر کرج، اعتصاب کارگران اداره پست منطقه ۱۱ تهران، اعتصاب کارگران کارخانه چوکای هشتر (به خاطر حقوق معوقه و عدم پرداخت عیدی)، اعتصاب کارگران کارخانه چوب اسالم در استان گیلان، اعتصاب کارگران کارخانه آجرشهرضا (به دلیل عدم پرداخت عیدی و پاداش)، اعتصاب کارکنان راه آهن تهران، تجمع اعتراضی کارگران قرقه سازی نخ تاب اصفهان، اعتصاب گروهی از کارگران سد جایی واقع در جاده کباسر، راه پیمایی اعتراضی کارگران راه آهن تهران، تجمع اعتراضی کارگران کارخانه سرامیک سازی کازرون (به خاطر تعویق دستمزدها)، اعتصاب کارگران شهرداری خوی (به دلیل کمبود دستمزدها)، اعتصاب کارگران نساجی سیمین اصفهان، اعتصاب ۱۵۰۰ تن از کارگران کارخانه سیمان لوشان (به خاطر خصوصی کردن کارخانه)، اعتصاب کارگران و کارمندان کارخانه کشت و صنعت کارون و ... شعار کارخانجات و کارگرانی

که به اعتراض علیه رژیم برخاستند به معنی کیفیت تازه نیست. مبارزه کارگران هنوز در آغاز راه است. افتان و خیزان. این حرکت ها اگر سازمان یافته و هماهنگ با سایر کارخانجات و کارگران، پیش رود می تواند تاثیر بسیار سازنده تر و عمیق تر بر حوادث داشته باشد و خیزش های خود جوش را به سمتی سازنده و مثبت هدایت کند. شرط کارایی مبارزه کارگران بسیج و تشکل آنان در سندی یکاها و اتحادیه های کارگری است. کارگران متشکل در سازمانهای صنفی عامل دفاع از حقوق کارگران، تعادل اجتماعی و ضامن تداوم دموکراسی هستند. دفاع فعال از حقوق کارگران وفاداری به دموکراسی است.

دستوربخت شورای عالی کار بود. چند جلسه پیاپی طول کشید تا حداقل دستمزد روزانه ۵۳۲ تومان به تصویب رسید. پیشنهاد بر آن بود که با توجه به رشد تورم، افزایش دستمزد بیشتر از ۲۰ درصد نباشد. پیش از تصویب حداقل دستمزدها در شورای عالی کار، علیرضا محبوب دبیرکل خانه کارگر که تشکیلاتی وابسته به حکومت است در گفتگو با مطبوعات گفت: اگر سید هزینه که مدتی است از سوی بانک مرکزی اعلام نمی شود، اعلام شود به نظر می رسد حدود ۳۳ هزار تومان رانسان دهد. بر این اساس پیشنهاد ۵۰ درصد حداقل دستمزد کارگران را داده ایم و معتقدیم این میزان فقط می تواند مشکل زندگی کارگران را تخفیف دهد.

تصویب حداقل دستمزد روزانه ۵۳۳ تومان نشان داد که رژیم علیرغم توصیه عوامل خود حاضر به تخفیف فشار زندگی از دوش کارگران نیست و می خواهد آنان هم چنان زیر خط فقر بمانند. مبلغ ۵۳۳ تومان حداقل دستمزد که بخشی از آن بابت مالیات و بیمه کسر می شود، هیچ گونه انطباقی با تورم نجومی و انفجار قیمت ها ندارد. با این مبلغ دستمزد، کارگران قادر نیستند حتی نیازهای اولیه ای که برای زدن ماندن و ادامه استثمار غیر انسانی از سوی سرمایه داران ضروری است، تامین کنند. یک خانواده کارگری اگر مستاجر باشد، تمام دستمزد ماهانه او صرف اجاره خانه خواهد شد.

از افزایش قیمت مواد سوختی، آب، برق و نان در آغاز سال و تغییر قیمت ناگهانی یک کیلو سبب زمینی از ۵۰ تومان به ۹۰ تومان در فاصله هفته گذشته، بیداست که کارگران با چه دشواری، فقر و فلاکت تکان دهنده ای روبرو هستند و رژیم زندگی را چگونه بر آنان به جهنم تبدیل کرده است.

بر اساس نوشته مطبوعات بخش عظیمی از مردم در فقر مطلق به سر می برند. بنا بر گزارش های رسمی خط فقر در سال گذشته ۳۸ تا ۳۵ هزار تومان بود. یعنی کارگران و هر خانواده ایرانی دیگری که کمتر از ۳۸ هزار تومان در آمد داشت در فقر غذایی به سر آمد، کم تر پوشید، در نوشته روزنامه رسالت در سال گذشته ۷۶ درصد مردم در روستا و ۸۱ درصد در شهرها در فقر مطلق بودند. تصویب ۱۶ هزار تومان به عنوان حداقل دستمزد کارگران، در عمل رسمیت بخشیدن به زندگی میلیونها ایرانی در زیر خط فقر است.

## مبارزه کارگران

مبارزه کارگران علیه بیکاری، اخراج و باز خرید اجباری، کمبود دستمزدها، مطالبه دستمزد های معوقه، افزایش حق مسکن و اعطای وام مسکن، افزایش حق اولاد، توزیع بن کارگری و مخالفت با واگذاری کارخانجات به بخش خصوصی به اشکال مختلف پیش رفته است. در بررسی اشکال مبارزه و مقابله کارگران علیه سیاست های رژیم هم تداوم و پیوستگی به چشم می خورد و هم پراکنندگی. پیوستگی و تداوم در نفس مبارزه و ایستادگی در مقابل سیاست ضد کارگر رژیم و پراکنندگی در شکل و چگونگی حرکت. اشکال مبارزاتی کارگران در اکثر موارد به شکل تهیه طومار،

بخشی از آنان ساکن و بخش عظیمی در جستجوی کارمدام در مهاجرتند. کارگران ساختمانی، کارگران بیمانی، کارگران راه و جاده سازی، کارگران کوره های آجر پزی و کشاورزی... اشتغال فصلی دارند اما درآمد ولتی بدون در نظر گرفتن بیکاری مطلق آنان، در ردیف شاغلین ثبت شده اند.

به نوشته روزنامه کار و کارگر شمار بیکاران مطلق و پنهان ۴ میلیون نفر است. اگر آمار روزنامه رسمی رژیم را مینا قرار دهیم و شاخص خانوار را ۵ نفر در نظر بگیریم، هم اکنون ۲۰ میلیون نفر در ایران در چنبره بیکاری گرفتارند. در گزارش های دیگر سخن از ۸ میلیون بیکار است.

بر آمار جاری بیکاران سالانه ۷۰۰ تا ۷۵۰ هزار نفر متقاضی کار افزوده می شود به اعتبار برخی از نوشته ها شمار متقاضیان سالانه کاریک میلیون نفر است. چه بخشی از این نیرو جذب بازار کاری شود آمار متفاوتی درج شده است. در فاصله برنامه پنج ساله دوم که سال اول آن سپری شده است نیروی فعال جمعیت کشور به ۳۹ میلیون نفر خواهد رسید. در این برنامه ایجاد ۹۵۰ هزار شغل در نظر گرفته شده است. ارزیابی پوده سه سال ۷۴ نشان می دهد که دولت سالانه حتی قادر به ایجاد اشتغال برای ۱۵۰ هزار نفر نیست و هر سال بیش از ۶۰۰ هزار نفر متقاضی کار بر خیل عظیم بیکاران افزوده می شود. بنابراین در پایان برنامه شمار بیکاران از ۱۰ میلیون نفر خواهد گذشت و نرخ اشتغال به زیر ۱۰ خواهد رسید و بار تکفل افزایش خواهد یافت.

## زندگی در زیر خط فقر

شدت گرانی و کاهش شتابان قدرت خرید مردم به ویژه زحمتکشان و کارگران بر کسی پوشیده نیست اما تصویر واقعی از نقش فلاکت بار گرانی بر زندگی وقتی به دست می آید که نرخ رشد قیمت کالاها و خدمات با درآمد کارگران مقایسه شود. در سال ۷۳ قیمت همه کالاها و خدمات دولتی و غیر دولتی بدون استثنا از ۲۰ تا ۲۰۰ درصد افزایش یافتند اما حداقل دستمزد کارگران علیرغم گرانی شدید و سقوط بی سابقه ارزش ریال همچنان در سطح ۳۹۰ تومان که در آغاز سال از سوی شورای عالی کار تصویب شده بود، ثابت ماند. سایر مزایا از جمله حق اولاد، حق مسکن، عیدی که در واقع دستمزد اصلی کارگران است به تشخیص کارفرما فقط به کارگران مشمول قانون کار پرداخت شد. پولی که بابت مزایا پرداخت شد مجموعاً ۸۰۰ تا ۱۲۰۰ تومان بود و چنان ناچیز بود که تأثیری در تخفیف فشار گرانی سرسام آور و جبران کمبود حداقل دستمزدها را نداشت. بسیاری از کارفرمایان همین به اصطلاح مزایا را به بیانه های مختلف نپرداختند. هم چنین میلیونها کارگر فصلی شاغل در بخش ساختمان، کشاورزی، کارگران کارگاه های کوچک و ۲/۵ میلیون نوجوان قالیباف از آنجا که مشمول قانون کار نبوده و نیستند از دریافت بخشی از دستمزد خود که زیر عنوان مزایا پرداخت می شود، محروم ماندند.

از آغاز سال جاری دستمزد پایه کارگران از ماهانه ۱۱۶۸۲ تومان به ۱۶ هزار تومان تغییر یافت. تغییر حداقل دستمزدها از بهمن ۷۳ در



واحدهای تولیدی به عنوان عاملی در کند کردن خصوصی سازی است. بر اساس همین نظر کارگران واحدهای تولیدی اخراج شدند تا سرمایه داران رغبت بیشتری به خرید کارخانجات داشته باشند. دولت حتی حاضر نشد هزینه دستمزد ناچیز کارگر را در قیمت تمام شده کالا و سود سرمایه داران بررسی کند تا معلوم شود که هزینه نیروی انسانی سهمی در گرانی کالاها نداشته است.

## شمار واقعی بیکاران

شمار کارگرانی که در بی رکود تولید، تعطیلی کارخانجات و یا تحت عنوان تعدیل نیروی انسانی واحدهای تولیدی برای انتقال به بخش خصوصی اخراج و باز خرید شده اند، روشن نیست. هدف رژیم آن است که آمار واقعی بیکاران در ایام باشد تا دولت در برنامه ریزی و در تبلیغات به دلخواه از آن بهره گیرد.

در گزارشهای سالنامه آماری و نوشته های وزارت کار تعریف نیروی فعال، شاغل و بیکار به عمد نادرست، مغشوش و قابل تفسیر انتخاب شده اند. در این سالنامه ها بیکاری فردی اطلاق شده که شغلی ندارد و جو برای کار است. یعنی اگر فرد جو برای کار باشد اما نام او در معدود دفاتر وزارت کار ثبت نشود، بیکار به حساب نمی آید و جزو جمعیت بیکاران کشور نیست. در این گزارش ها برای پالایش دادن شمار جمعیت شاغلین نسبت به بیکاران، مبنای سنی شاغلین کشور ۶ سال و بیشتر تعیین شده است و به این ترتیب ۲/۵ میلیون کودک و نوجوان کارگر قالیباف که در این سطح سنی هستند در ردیف شاغلین قرار گرفته اند حال آن که از نظر وزارت کار و قوانین رسمی رژیم سن اشتغال ۱۵ سال به بالاست و تنها کارگران بالای ۱۵ سال تحت پوشش قانون کار هستند و از حقوق قانونی کار برخوردارند.

بنابراین برای دستیابی به ارقام واقعی بیکاران با پستی داده ها راز و ترفند، دسته بندی و تحلیل کرد، اشکال مختلف بیکاری - بیکاری مطلق، بیکاری پنهان، بیکاری فصلی و اشتغال کاذب نیروی فعال کشور را در نظر گرفت و میلیون ها تن از زنانی را که در گزارش های آماری خارج از ردیف "شاغل و بیکار" در ردیفی به نام "خانه دار" ثبت شده اند، به عنوان بخشی از نیروی فعال کشور که از پرورس تولید به دور افتاده اند بر جمعیت عظیم بیکاران افزود و با "خانه داری" را به عنوان شغل و بخشی از کاری که در خدمات اقتصادی و توسعه اجتماعی است به اخراج جمعی و باز خرید اجباری کارگران است.

خاموشی رئیس سازمان گسترش و نوسازی صنایع که از عوامل بانفوذ سرمایه داران و رژیم است درباره اخراج کارگران معتقد است: نیروی انسانی ما زود بر نیاز

بخش خصوصی وسیله ای شد تا وابستگان رژیم و بیروان حکومت اسلامی بر تملک و تصرف خود بر کارخانجات و اموال کشور مشروعیت و رسمیت قانونی بخشند و کارگران را اخراج کنند. کارخانجات یکی پس از دیگری به وابستگان رژیم واگذار شدند بدون آن که تعهدی برای دوام تولید، سرمایه گذاری، حفظ کارگران شاغل و جذب نیروی فعال بیکار ایجاد شود. در نیمه سال ۷۳، در جریان استیضاح نعمت زاده وزیر صنایع صحنه هایی از چگونگی واگذاری واحدهای تولیدی به ولی نعمتان رژیم بر ملا شد. کارگران نماینده اصفهان گفت: برادران ابتدا جلوه می دهند که فلان کارخانه زیان ده است و حتی مدیری را منصوب کردند که بعداً آن را به مدیر کارخانه فروختند. فروش کارخانه روغن نباتی شیراز رقمی بالغ بر دو میلیارد و سیصد میلیون تومان بوده که در همان سال این کارخانه یک میلیارد تومان سود داشته است.

وی در ارتسباط با شرکت داروسازی کوثر اظهار کرد: اصولاً وقتی مدیرش را برای فروش جلوی می اندازند پشت پرده برادر یکی از مسئولین است و اتفاقاً برادر همین آقا شریک ایشان است و یا شرکت پارس توشه را آقای خرید که مدیر همین جاست. وی افزود: فروش کارخانه نساجی قائم شهر شتابان بوده و ضمناً به عوامل فروش فشار آورده اند و باعث تاسف است که حتی بعضی از متصدیان امر در اثر این فروش و تهدیدها توانسته اند با سرعت حتی در عرض یک روز تمام مراحل قیمت گذاری را بگذرانند. نماینده اصفهان در ادامه سخنان خود اظهار کرد: صنایع شیمیایی سینا در عرض ۳ روز فروخته می شود. با سرعت و مخفیانه نقل و انتقال صورت می گیرد. این همان زمانی است که مجلس فروش سهام را تصویب می کند. شرکت گسترش خدمات فنی به قیمت یک دهم ارزش واقعی به فروش می رود.

علیرغم اعتراض کارگران و مخالفت آنان با انتقال کارخانه ها به نزدیکان رژیم، حراج اموال مملکت همچنان ادامه دارد. بر اساس گزارشی کارخانه قند قزوین با وجود آن که از سوی کارشناسان دولت ۵ میلیارد تومان به عنوان حداقل قیمت ارزش یابی شده بود، به قیمت ۱ میلیارد تومان به وابستگان رژیم واگذار شد. ۵۰۰ میلیون تومان نقد و ۵۰۰ میلیون تومان به اقساط. همین ۵۰۰ میلیون تومان روی کاغذ مانده و یا واقعا پرداخت شده، معلوم نیست.

انگیزه مخالفت با واگذاری کارخانجات به بخش خصوصی متفاوت است. بخش عظیمی از کارگران نگران ادامه رکود و امنیت شغلی خود هستند. در هر یک از کارخانجاتی که به بخش خصوصی واگذار شد، با وجود آنکه سودده بودند و با مازاد نیرو مواجه نبودند، بسیاری از کارگران به بهانه کاهش هزینه های تولید مشمول تعدیل نیروی انسانی شدند. تعدیل نیروی انسانی اصطلاح پوششی رژیم برای اخراج جمعی و باز خرید اجباری کارگران است.

خاموشی رئیس سازمان گسترش و نوسازی صنایع که از عوامل بانفوذ سرمایه داران و رژیم است درباره اخراج کارگران معتقد است: نیروی انسانی ما زود بر نیاز

علی جعفر بیگی تا چند ماه پیش کارگر شرکت خاور بود. در چارچوب سیاست تعدیل نیروی انسانی، سال گذشته پولی کف دستش گذاشتند و عذرش را خواستند. جعفر بیگی کارگر به جمع میلیونی بیکاران پیوست. از آن روزها در جستجوی کار است. حکایت حال جعفر بیگی در روزنامه رسالت چنین آمده است: بعد از ۱۸ سال سابقه کار اسم خود را در لیست تعدیل شده ها دیدم. هر چه اعتراض و شکایت کردم فایده ای نداشت. مسئولین کارخانه حتی نتوانستند به من بگویند که علت اخراج چیست. به جرات می توانم بگویم تمامی کسانی که از کارخانه ما اخراج شدند همه جزو کارگران ماهرو یا سابقه بودند. آنها بابت ۱۸ سال کارکرد من یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان پرداخت کردند. از شما می پرسم با داشتن زن و ۵ فرزند و زندگی مستاجر من چه باید بکنم؟ با این پول چه می توان کرد؟ آیا بهتر نبود قبل از اخراج ما ماهها فکری برای تامین آینده و آتیه ما می شد؟ الان حدود ۴۵ سال سن دارم و توان خوبی برای کار کردن دارم ولی متاسفانه نتوانستند از این نیرو استفاده کنند و مجبورم کنار خیابان بساط پهن کنم. جعفر بیگی را از کارخانه به کنار خیابان راندند. به بهانه توسعه و پیشرفت اقتصاد و کاهش هزینه تولید. گویا چند روز دستمزد ماهانه جعفر بیگی مانع توسعه اقتصاد و عامل گرانی کالا بود. جعفر بیگی بیکار شد، اما برای دولت شاغل است. نام او سوارترین به عنوان کسانی که به شغل آزاد دوره گردی مشغولند در دفتر مرکز آمار رژیم در ردیف شاغلین کشور ثبت شده است. برای رژیم همین کافی است، مهم نیست که جعفر بیگی امروز بساطش را کنار کدام خیابان پهن کرده و شب کجا به سر خواهد برد. جعفر بیگی نمونه است. نمونه دهها هزار کارگری که در سال ۷۳ در تهران و سایر مراکز تولیدی از کار بیکار شدند. حاصل شکایت، رفت و آمد و انتظار طولانی آنان در راهرو های وزارت کار برای بازگشت بر سر کار خود همان شد که بر سر کارگران اخراجی سال ۷۲ بنا به اظهار وزیر کار و امور اجتماعی ۹۲ هزار کارگر اخراج شدند. در ۷۲ هزار مورد رای صادره از سوی وزارت کار به نفع کارفرمایان بود.

## حراج اموال کشور

### واخراج های دسته جمعی

در رشد و گسترش بی سابقه بیکاری و اخراج کارگران عوامل متفاوتی موثر هستند. رکود تولید، ناتوانی تولید داخلی در رقابت با کالا های وارداتی از نظر کمی و کیفی، کمبود ارز و نوسان قیمت آن، مستعمل شدن ماشین آلات و ابزار تولید، عدم سرمایه گذاری برای نوسازی و بازسازی کارخانجات، تعطیلی کارخانجات، فروش واحدهای تولیدی به بخش خصوصی بدون تامین پیش شرطهای لازم و ...

سیاست اقتصادی ضد کارگری و غلط رژیم منشأ اصلی شکل گیری تشدید این عوامل هستند. فروش واحدهای تولیدی به بخش خصوصی نمونه ای از اقدامات دولت است که اخراج وسیع کارگران با تجربه بی آمدن بوده است.

فروش واحدهای تولیدی به بخش خصوصی که با اجرای برنامه ۵ ساله نخست آغاز شد به جای آن که با اتکاب بر مشارکت و همکاری کارگران به عامل اشتغال زا بی و رونق تولید بدل شود، به اخراج بخش کثیری از کارگران منجر شد و در عمل واگذاری کارخانجات دولتی به





"هموطن" عنوان فصلنامه ای است که از آغاز سال ۱۳۷۳ توسط سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در مونیخ بعنوان نشریه روابط عمومی برای جنوب آلمان چاپ و بصورت مجانی برای هموطنان فرستاده میشود. این نشریه چنان منادی کنار گذاشتن تفرقه و دورهم جمع شدن ایرانیان خارج از کشور است تو گویی که همین حکومت و کارگزارانش نبوده اند که با سیاستهای خانمان براندازان باعث تفرقه و جدایی شده و انبوه هموطنان تنها بخاطر نجات جانشان بالا جبار به خارج از کشور پناه برده اند. چیزی که هنوز هم کم و بیش ادامه دارد.

نشریه "هموطن!" از طرف کسانی چاپ و پخش می شود که وطن را تبدیل به بیت المال شخصی خود نموده و به ورشکستگی کشانیده و بجای ثروت آفرینی رونق عامه عمومی، اگر وضع به همین منوال پیش برود رقیب تازه ای در عرصه فقر برای کنسولگریهای خود خواهند ساخت. هموطنی که تا زمانی که در داخل کشور است دارای هیچ ارزشی نبوده و جز فشار و تهدید زندان و شکنجه و اعدام چیز دیگری در انتظارش نیست تا اینکه همین هموطن آواره اینجا و آنجا بشود و مورد لطف و عنایت نمایندگان آن رژیم قرار گرفته که برایش نشریه "هموطن" چاپ

## "هموطن!"

کرده و از او می خواهند نه تنها خواننده این نشریه شده بلکه حتی آنرا به سایر هموطنان نیز توصیه نماید. این نشریه "هموطن" هموطنان را تشویق به ایجاد انجمن و کانون مینماید و برایشان دعوتنامه می فرستد تا در چنین تشکلهای از پیش ساخته شده ای شرکت نمایند در صورتی که اگر همین هموطن که مورد نظر سرکنسولگری میباشد به خودش اجازه بدهد در داخل کشور انجمن و یا کانونی را ایجاد نماید و یا از آن اسمی ببرد جز اذیت و آزار و زندان و شلاق چیز دیگری نصیبش نخواهد شد.

"هموطن" بجای آنکه منعکس کننده روابط عمومی سرکنسولگری باشد سعی مینماید تا از طریق درج مسائل و مقالات فرهنگی خود را قاطی فعالیتهای فرهنگی هموطنان خارج از کشور نموده و نقش داده مهربانتر از مادر را بازی کند. اما کیست که نداند که اینان و همپالکی هاشان چگونه عرصه را به همه آن هموطنانی که در داخل کشور دست اندر کار مسائل فرهنگی هستند، هر روز به بهانه ای تنگتر و تنگتر میکنند و آنها سهمی از فرهنگ دوستی و فرهنگ چنان به اوج خود میرسند که از

گزارش سالیانه شورای مرکزی سازمان چند وقت پیش در اختیار اعضاء سازمان قرار گرفت اما گزارش نشان دهنده هیچ گونه پیشرفتی که چشم گیر باشد نیست. سیاست اصلی سازمان که همانا ایجاد جبهه آلترناتیو از نیروهای مختلف الگرایش است نتیجه چشم گیری در بر نداشته نیروهای تازه ای به طرف سازمان جلب نشده اند. هیچ تحولی در ارتباط با داخل کشور ایجاد نشده. علت عدم موفقیت سازمان در چیست؟

تغییراتی که از چند سال پیش در جهان رخ داده به خصوص تغییرات در کشورهای سوسیالیستی سابق نیروهای چپ ایران را همچون دیگر نیروها در کشورهای دیگر متحول کرده است اما رشد تحول چه از جنبه های مثبت آن و چه از جنبه های منفی اش تاثیریکسانی بر همه نیروها نگذاشته.

یکی از نیروهایی که در ایران شاید بیشتر از دیگر نیروها در این چند ساله تحول یافته سازمان اکثریت است. حقیقت این است که اکثریت از یک سازمان چپ به یک سازمان لیبرال تغییر موضع داده است. برای مواضع کنونی سازمان و مقایسه آن با موانع احزاب سوسیال دمکرات اروپایی هم نشان می دهد که سازمان اکثریت حتی از رده این احزاب هم پایین تر آمده و مواضع

## مشکل در کجاست

محافظة کارانه تری از این احزاب اتخاذ می کند. کنگره سازمان (به عقیده همین گروه امی سراسری نمایندگان سازمانهای خارج کشور سازمان) که یک سال قبل از انتشار گزارش سالیانه فعالیت شورای مرکزی تشکیل شد از جمله مصوباتی که به تصویب رساند، مصوبه ای در مورد جهان بینی سازمان یعنی سوسیالیسم بود که علیرغم مخالفت لیبرالها و ناسیونالیست های نو، کلمه سوسیالیسم بدون هر گونه پسوندی مورد تصویب قرار گرفت اما کمتر موردی در نشریه کارانکاس می یابد که بویی از سوسیالیسم از آن به مشام برسد. از دیگر مصوبات مهم مصوبه ای در رابطه با تشکیلات داخل کشور بود که پس از بحث های فراوان به تصویب اکثریت شرکت کنندگان رسید به این مورد هم هیچ گونه اشاره ای نه در نشریه کارونه در گزارش سالیانه شورا نگردیده و به عقیده من کلید عدم موفقیت سازمان در حال حاضر در دو چیز است اول نداشتن پایه فکری کنکرت دوم عدم اتکا و اعتقاد به تشکیلات وسیع به خصوص در داخل کشور. تا وقتی که این دو تکیسه رفع نشده باشد تحولی در کارها رخ نخواهد داد.

سعیدی سیرجانی بعنوان نویسنده و شاعر و پژوهشگر نامدار معاصر اسم برده و بدون اینکه ذکر از زندان و شکنجه ای که منتهی به مرگ او شده بکند، فقدان وی را به جامعه فرهنگ و ادب تسلیت گفته و اشک تمساح ریخته و کوچکترین اشاره ای هم به اینکه چرا کتابهای این نویسنده نامدار در کشورش ممنوع میباشند، نمیکند.

شاید هم نمایندگی رژیم در مونیخ فکر میکنند که با تعدادی هموطن کرو کور سرو کار دارد که خوشبختانه چنین نیست و شاید هم اقامت در خارج از کشور اینان باعث شده تا قوه تخیلشان تقویت بشود و فکر کنند که با شیوه هایی اینچنینی میتوانند چهره کریمه خود را براحتی بزک کنند.

بهرترین کار اینست که جلوی هزینه اضافی را گرفته و درد کان "هموطن" را ببندد که حنایش رنگی نداشته و این "هموطن" تنها موجب تمسخرتان خواهد بود. احتمالش هم خیلی ضعیف است که با درج اشعار بر سرشور آنچنانی آنها از طرف شما در وصف وطن بتوانید هموطنان را تشویق به بازگشت نماید چرا که همه میدانیم که مانع اصلی بازگشت هموطنان به کشور همان حکومتی است که شما ها نمایندگیش میکنید.

## مردم و تجربه انقلاب

معمول بر این است که وقتی تحولات تعیین کننده که همانا در این زمان سرنگونی رژیم است فراهم شده است اما بعید است تحولی صورت گیرد مادامی که هیچ نیروی آلترناتیو موثری در داخل شکل نگرفته. بحران داخل به حدی حاد است که رژیم حتی خودش از مدتتها پیش شروع به ایجاد نهاد های کرده که در آینده بتواند با طرح آنها آن نیروی آلترناتیو را که بنیادهای رژیم را مورد تهدید قرار ندهد روی کار آورد. آیا وضعیت کنونی نیروهای سیاسی عمر رژیم بحران زده آخوند ها را طولانی تر نخواهد کرد؟

حوادثی که بعد از کنگره قبلی سازمان در جهان گذشته و می گذرد بسیار شتاب آلود است و برای یک انسان حقیقتاً انقلابی یا اگر نخواسته باشیم با عنوان کردن این کلمه کابوس آور برای بعضی از رفقا تشویش ایجاد کرده باشیم برای یک انسان ترقی خواه بسیار آموزنده بوده و هست. به هر حال قضیه این است که حوادث آن طور که رفقای لیبرال ما می خواسته اند پیش نرفته و پیش نمی رود بنا بر این کنگره بعدی باید مکانی باشد که بازتاب وقایع جاری را در مصوبات تازه خود ارائه دهد و الا غیر از این سازمان به زاننده ای برای نیروهای ترقی خواه تبدیل خواهد شد و مهره ای هم برای بازی در اختیار زده و بند چینی های حرفه ای. صادق - کارگر - تروژ

مقابل مردم به عقب بردارد. اما تجربه ۱۶ ساله نشان داده است این رژیم بد برای هیچ دگراندیشی نیست و این رژیم هیچگونه اندیشه نو و تفکر دیگری را نمی پذیرد که مملکت از این منجلاب اقتصادی و اجتماعی، از استبداد سیاسی و مذهبی نجات پیدا کند. سئوال این است که: آیا فقط مشکلات اقتصادی باید مردم ما را به حرکت در آورد؟ یعنی برای ملت

## پاسخ به نامه ها

خواننده گرامی! - عامری قطعه شعری برای ما فرستاده و نوشته اند: "خیلی فکر کردم که آیا در نشریه کارجایی برای شعر من هست یا نه؟ ولی به نتیجه قطعی نرسیدم. ولی فکر کردم که امکان تجربه را که از من نگرفته اند، پس فرستادم... و این نیز قطعه شعرا - عامری هنوز گرامی دست خزه برگرده آب سر می خورد که کولاک به دیواره سنگیش کوفت.

با خیال گرمای خزه بیال موج ایستاده ام  
خواب خواب می بینم  
نه دریا راهم  
دوست ندارم.

بوی خو گرفته جوی  
بر در غربت دریا می گوید  
از شکاف سنگی دیوار  
سایه ای جوی وار  
در منظر چشم ترم می لغزد.  
نه دریا راهم  
بدرود باید گفت.

دوست گرامی، بهرنگ (آلمان) نوشته اند: "در شماره های قبلی کار چندین بار با لغت شوکران برخورد داشتیم. بدندانستم برای آشنایی بیشتر خوانندگان شما مطلب زیر را بفرستیم. بهرنگ سپس به نقل از فرهنگ فارسی عمید آورده است: "شوکران گیاهی است شبیه به جعفری، دارای شاخه های چتری، گلپای سفید مانند شوید، ساقه هایش بدبو بلکه های سرخ رنگ، برگهایش سبز تیره، ریشه آن سبزه و شبیه به جعفری، ماده سمی شدیدی دارد و اگر کسی از آن بخورد هلاک می شود. بهرنگ خود افزوده است: در دوران باستان به عنوان ماده ای سمی برای اعدام یا کشتن گناهاران (ا) استفاده می شد. معروفترین نمونه آن نوشیدن جام شوکران توسط سقراط در ۳۹۹ سال پیش از میلاد مسیح می باشد. در ایران کمتر کسی است که این گیاه را مخصوصاً از زمان چاپ "کاشفان فروتن شوکران" شناسد!

## نامه ها و مقالات رسیده

درباره بیژن جزنی - علی ازها مبورگ (آلمان)  
در نقد دو مقاله مندرج در کار - علی ازها مبورگ (آلمان)  
کشورهای بیگانه جاسوسی پناهندگان را می کنند - علی اکبر شعری به نام رفیق - یوسف صفری  
و برتسیم از سکوت - ا. شفق  
خون گیلان مرگبار (ترجمه از مجله آلمانی فوکوس) - محمد کلوب ریم: فاجعه ای در راه است و چندی مطلب کوتاه - رضا ازها نو فر (آلمان)

باتشکر از این همکاران گرامی، سعی می کنیم مطالب ارسالی آنان را به تدریج مورد استفاده قرار دهیم.  
کاربارد یگر از خوانندگان گانی که برای ما نامه یا مقاله می نویسند، در خواست می کند که برای مطالب خود عنوان و امضا انتخاب کنند و نامه های خود را بر یک طرف کاغذ A4 بنویسند.

مقابل مردم به عقب بردارد. اما تجربه ۱۶ ساله نشان داده است این رژیم بد برای هیچ دگراندیشی نیست و این رژیم هیچگونه اندیشه نو و تفکر دیگری را نمی پذیرد که مملکت از این منجلاب اقتصادی و اجتماعی، از استبداد سیاسی و مذهبی نجات پیدا کند. سئوال این است که: آیا فقط مشکلات اقتصادی باید مردم ما را به حرکت در آورد؟ یعنی برای ملت

فرم درخواست اشتراک "کار"

اشتراک جدید  تمدید اشتراک

مدت اشتراک: شش ماه  یکسال

نام: ..... تاریخ: .....

آدرس: Name: \_\_\_\_\_

Address: \_\_\_\_\_

فرم را همراه با بای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس "کار" پست نمایید.

بهای اشتراک "کار"

اروپا:

ششماه - ۴۵ مارک

یکسال - ۹۰ مارک

سایر کشورها:

ششماه - ۵۲ مارک

یکسال - ۱۰۴ مارک

"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هردو هفته یکبار روزهای چهارشنبه منتشر می شود.

دارنده حساب: I.G. e.v.

شماره حساب: 22442032

آدرس: Verleger: I.G. e.v.

کد پانک: 37050198

Postfach 260268

50515 Köln

GERMANY

Stadtsparkasse Köln

Germany

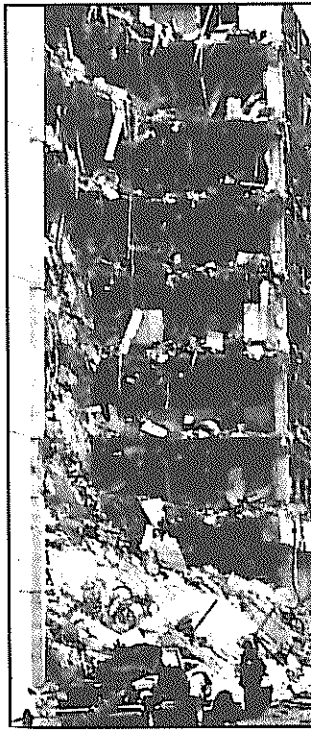
شماره فکس: Fax: 0049 \_ 221 \_ 3318290



## انفجار دراو کلاهما، آمریکار اتکان داد

درا انفجار بمب در مقابل ساختمان فدرال در شهر او کلاهما، ده ها تن کشته شدند

در حالی که در نخستین واکنش ها انفجار این بمب به بنیاد گرایان اسلامی نسبت داده می شد، اکنون گفته می شود این جنایت توسط فاشیست های دست راستی آمریکایی صورت گرفته است



نمایی از ساختمان فدرال. عکس ۸ طبقه ساختمان را که به کلی ویران شده، نشان می دهد

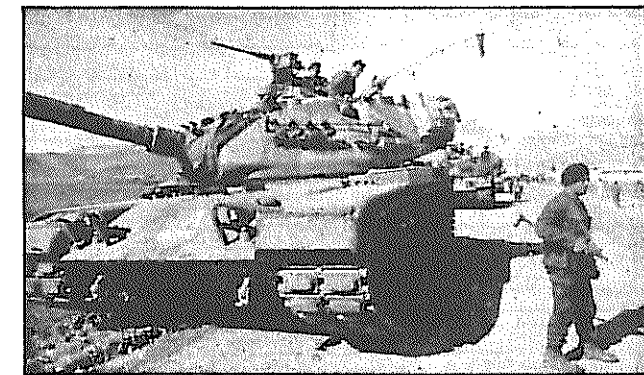
دولت فدرال آمریکا در ایالت اوکلاهما مستقر بودند، به کلی ویران کرد. مواد منفجره، که مقدار آن یک تن تخمین زده می شود، در وانتی کار گذاشته شده و این اتومبیل، در مقابل ساختمان فدرال پارک شده بود. با استفاده از ردی که پیدا کردن قطعات این وانت، به دست داد، پلیس پی برد که اتومبیل مزبور در ایالت کانزاس کرایه شده است. چند ساعت پس از انتشار تصاویری از چهره های دو نفری که اتومبیل را کرایه کرده بودند، یک نفر در حدود ۱۰۰ کیلومتری شمال اوکلاهما سیتی به علت شباهت با یکی از افراد تحت تعقیب، دستگیر شد. گفته می شود این فرد، عضویک گروه دست راستی افراطی موسوم به "میلیشیای

چهارشنبه گذشته، انفجاریک بمب بسیار قوی در اوکلاهما سیتی آمریکا، ده ها قربانی گرفت. در این فوج ترین حمله تروریستی در تاریخ ایالات متحده، ده ها نفر کشته و صدها تن مجروح شدند. تا هنگام تنظیم این خبر، جستجو در ویرانه های به جا مانده از انفجار بمب، ادامه داشت. تا روزیکشنبه این هفته، امدادگران نیروی خود را متوجه یافتن بازماندگان احتمالی در زیر آوار کردند و از این رو جستجوی اجساد و شمارش قربانیان، اولویت نداشت. تا روز جمعه هفته گذشته ۶۳ جسد کشف شده بود و ۱۴۰ نفر مفقودالاثر بودند.

انفجار هفته گذشته، یک ضلع ساختمانی را که در آن، نهاد های

## ستاد ارتش ترکیه عقب نشینی قریب الوقوع از عراق را تکذیب کرد

در خارج از این کشور زندگی می کنند، برگزیده اند. هفته گذشته وزارت خارجه ترکیه آمار جدیدی از تلفات ب. کا. کا. در جریان عملیات ارتش ترکیه در عراق اعلام کرد. طبق این آمار، ۴۶۴ چریک کشته و ۱۲ تن اسیر شده اند. غنایم ارتش ترکیه عبارتند از ۷۸۰ تفنگ، ۲۱ تانچه، چهار موشک ضد هوایی، ۲۵ خمپاره انداز، ۸۶ موشک انداز و هزاران مین.



هم زمان با ادامه اشکر کشی به کردستان (پ. کا. کا.) تحقق یافته، ارتش ترکیه شروع به عقب نشینی از عراق کرده است و این عقب نشینی را در هفته های آینده ادامه خواهد داد.

دو هفته پیش در هلند نخستین اجلاس "پارلمان در تبعید" کردستان که پ. کا. کا. در آن بزرگترین فراکسیون را تشکیل می دهد، برگزار شد. این اجلاس، یک هیات اجرایی ۱۵ نفره برگزید. هم رئیس پارلمان و هم رئیس هیات اجرایی منتخب آن، عضو حزب دمکرات کردستان ترکیه اند که علیرغم مواضع متعادل آن در این کشور ممنوع اعلام شده است. ۳۰ هزار نفر از مردم منطقه ناچار به فرار شده اند.

یک سخنگوی ستاد ارتش ترکیه، خیر آغاز عقب نشینی نیروهای این کشور از شمال عراق را که در آمریکا از سوی تنسو چیلدر نخست وزیر ترکیه اعلام شده بود، تکذیب کرد و گفت تنها یک تیپ مکانیزه ۳۰۰۰ نفره به ترکیه بازگشته است، و هنوز بیش از ۳۰ هزار نفر از نیروهای این کشور در خاک عراق به سر می برند. چیلدر در جریان یک سفر خصوصی به آمریکا طی نطقی در نیویورک گفته بود پس از آنکه نخستین اهداف عملیات علیه حزب کارگران

راست افراطی آمریکایی رسد. "میلیشیای میسیگان" از گروه هایی است که طی ماه های اخیر دست به فعالیت شدیدی علیه ممنوعیت سلاح های گرم توسط دولت کلینتون زده است. اعضای این گروه در ۱۹ ایالت آمریکا فعال اند و دست به اقداماتی مانند ترتیب دادن دوره های آموزش نظامی می زنند. این گروه افراطی مدعی است دولت واشنگتن، استقلال آمریکایی ها را به سازمان ملل متحد فروخته است.

روابط خود با دولت ربانی خاتمه دهند. شورای عالی که مجددی در رأس آن قرار دارد، نیروهای دوستم و حکمت یار و نیز حزب وحدت اسلامی (حزب شعبه مورد حمایت تهران) را نیز در بر می گیرد. مجددی در مصاحبه خود گفت پاکستان و جمهوری اسلامی هرگز در امور داخلی افغانستان مداخله نکرده اند اما افزود کشورهای دیگری هستند که چنین می کنند. مجددی این کشورهای دیگر را که از آنها نام نبرد، متهم به حمایت نظامی از دولت ربانی کرد و گفت نام یک کشور را که به دولت کابل کمک می رساند، در صورت ادامه این کمک ها افشا خواهد کرد. مجددی، ربانی را مسئول ادامه خونریزی در افغانستان دانست و گفت در گذشته کوشیده است ربانی را متقاعد کند که به نفع یک شورای متشکل از نمایندگان همه گروه ها، از مقام خود کناره گیری نماید. به گفته مجددی، طرح صلح سازمان ملل برای افغانستان در صورت کناره گیری ربانی قابل اجراست. مجددی در عین حال با استقرار نیرویی از سوی سازمان ملل در افغانستان مخالفت ورزید و گفت پاسداری از صلح در این کشور باید توسط نیرویی داخلی صورت گیرد. مجددی در مورد طالبان، نیروی نوظهور جنگ داخلی افغانستان، اظهار داشت افراد طالبان "صادق اند اما مرتکب اشتباهاتی شده اند.

## مرحله اول انتخابات ریاست جمهوری فرانسه برگزار شد

روز یکشنبه ۲۳ آوریل (۳ اردیبهشت) مرحله اول انتخابات ریاست جمهوری فرانسه برگزار شد. در این مرحله، ۹ کاندیدا شرکت داشتند که عبارت بودند از ژاک شیراک شهردار پاریس، نخست وزیر سابق و رهبر حزب نئوگلیست RPR، ادوار بالادور نخست وزیر و عضو حزب شیراک، لیونل ژوسپن از حزب سوسیالیست و وزیر پیشین آموزش، ژان - ماری لوپن رهبر حزب راست افراطی جبهه ملی، روبرت او دبیر کل حزب کمونیست فرانسه، که در جریان مبارزات انتخاباتی خود مرفق به ارائه چهره جدیدی از حزب کمونیست شده، مطابق نظر سنجی ها بر آراء این حزب خواهد افزود، فیلیپ دوولیه چهره راست گرایی که تبلیغات خود را علیه وحدت اروپا متمرکز کرده است، آرلت لاگوئیه از سوی تروتسکیست ها، دومینیک وینه نماینده سبزها و بالادور ژاک شمیناد که گفته می شود وابسته به یک گروه افراطی است. از میان این نامزدها، دونفری که بیشترین آرا را

در مرحله اول به خود اختصاص دهند، به مرحله دوم که روز هفتم مه (۱۷ اردیبهشت) برگزار می شود، راه می یابند. تردیدی نیست که رقابت اصلی کاندیداها، بین شیراک، بالادور و ژوسپن خواهد بود. در آخرین ساعات پیش از رأی گیری، نتایج همه نظرسنجی ها حاکی بود ژاک شیراک با حدود ۲۵ درصد آرا، در رده اول قرار خواهد گرفت. بالادور و ژوسپن، هر یک با ۲۰ درصد در رده های بعدی قرار داشتند. تاهنگام تنظیم این خبر، نتایج رأی گیری اعلام نشده بود و روشن نبود از بین بالادور و ژوسپن، کدام یک در مرحله دوم با شیراک رقابت خواهد کرد. گفته می شود شیراک ترجیح می دهد کاندیدای سوسیالیست ها بر بالادور غلبه کند زیرا مایل نیست مرحله دوم انتخابات، رقابت بین دو نامزد از نئوگلیست ها باشد، رقابتی که تکلیف آن را آرای چپ تعیین

ادامه در صفحه ۱۱

## جنگ در افغانستان موقتاً فروکش کرد

دانست. خطر شیوع مالاریا و وبا وجود دارد. رشید دوستم رهبر نیروهای ازبک که بخشی از شمال افغانستان تحت کنترل آنهاست و تا کنون متحد گلبدین حکمت یار رهبر حزب اسلامی بوده است، در پیام غیرمستقیمی به برهان الدین ربانی رئیس جمهور موقت افغانستان خواهان مذاکره با دولت کابل شد. کنسول افغانستان در مشهد ضمن اعلام این خبر گفت دولت متبوع وی تا کنون با دوستم مذاکره نکرده است.



کابل هنوز جلالتگاه تانک ها است

در کابل، به بلاستیک و چادر نیاز است. خیابان های کابل، پر از گلوله های توپ و مهمات منفجر نشده و نیز زباله است. در شهر بی آبی حاکم است. تنها در ۳۰ درصد مناطق، آب مورد استفاده مردم را می توان به لحاظ بهداشتی مطمئن

در هفته گذشته اوضاع غرب افغانستان (مناطق هم مرز با ایران) که جندی پیش صحنه نبردهای بین نیروهای دولتی و طالبان بود، نسبتاً آرام گزارش شد. با این حال خبر رسید که طالبان هراز چندی برای اینکه نشان دهند توقف پیشروی آنها به علت ضعف مواضعشان نیست، حملاتی به نیروهای دولتی انجام می دهند. نیروهای دولتی، کنترل شین بند و پلگاه هوایی آن را در دست دارند اما گزارش های رسیده از این منطقه و از استان فراه حاکی است طالبان مشغول تقویت نیروهای خود در غرب افغانستان اند. دولت افغانستان نیز دست به اعزام سه هزار نفر نیروی تقویتی برای عقب راندن طالبان از مواضعشان در استان فراه زده است.

دو هفته پیش، نیروی هوایی روسیه در جنگ علیه مخالفان دولت تاجیکستان، مناطقی از استان بدخشان افغانستان را بمباران کرد. در این حمله، هشت نفر از اهالی غیر نظامی این منطقه کشته شدند. روسیه و دولت تاجیکستان که مورد حمایت مسکو است، می گویند اپوزیسیون ناسیونالیست و بنیادگرای تاجیکستان در داخل خاک افغانستان پایگاه دارد.

## بازگشت آوارگان به کابل

پس از چند ماه نبردهای سخت بین طرف های جنگ داخلی افغانستان در کابل، گزارش های رسیده از این شهر حاکی است اکنون آندسته از اهالی کابل که به علت جنگ، شهر را ترک کرده بودند، به تدریج به محل زندگی خود باز می گردند. نمایندگان سازمان ملل اعلام کردند در کابل دیگر به ندرت صدای تیراندازی شبانه به گوش می رسد و تنها نیروهای مسلحی که به چشم می خورند، افراد نیروهای دولتی اند. گفته می شود ۷۰ درصد جمعیت